







### سیمای سوره محمد ﷺ

این سوره سی و هشت آیه دارد و در مدینه نازل شده است. نام سوره، برگرفته از آیه دوم آن است که نام پیامبر عزیز اسلام حضرت محمد ﷺ در آن ذکر شده است. جنگ و جهاد با دشمنان اسلام، مهم‌ترین موضوعی است که در این سوره مطرح شده و لذا برخی آن را سوره «قتال» نامیده‌اند. عمده مطالب سوره درباره‌ی مؤمنان و کفار و مقایسه میان وضع آن دو گروه در دنیا و آخرت و نگاهی به عملکرد منافقانی که در مدینه کارهای تخریبی داشتند، می‌باشد. به علاوه، مسائلی پیرامون اسارت و آزادی اسرای جنگی، دعوت به انفاق و نهی از مدهائنه و سازش نابجا با دشمن در آن مطرح شده است. در حدیث می‌خوانیم: هر کس می‌خواهد حال ما اهل بیت و دشمنان ما را بنگرد، سوره محمد را تلاوت کند.<sup>(۱)</sup>

همچنین روایت شده است که پیامبر اکرم در نماز مغرب، این سوره را می‌خواندند.<sup>(۲)</sup>

۱. تفسیر مجمع‌البیان. ۲. تفسیر مراغی.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

### ﴿۱﴾ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ

کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، (خداوند) اعمالشان را تباه گردانید.

#### نکته‌ها:

- در میان یکصد و چهارده سوره قرآن کریم، در یازده سوره، اولین آیه درباره تهدید یا توبیخ است که به جز سوره احزاب بقیه در مورد دشمنان اسلام است.
۱. سوره انعام. ﴿... ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَرِّهْمُ يَعْدِلُونَ﴾... اما کافران برای پروردگارشان شریک قرار می‌دهند.
  ۲. سوره توبه. ﴿بِرَأْيَةِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ خداوند و رسول او از کفار براءت دارند.
  ۳. سوره احزاب. ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَطْعَمِ الْكَاْفِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ ای پیامبر! از خداوند پروا کن و از کفار و منافقان پیروی نکن.
  ۴. سوره محمد. ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾
  ۵. سوره ممتحنه. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾ ای اهل ایمان! دشمن من و دشمن خودتان را سرپرست خود قرار ندهید.
  ۶. سوره منافقون. ﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ...﴾ هرگاه منافقین نزد تو آمدند... .
  ۷. سوره معارج. ﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾ یکی از منافقان و دشمنان تقاضای عذاب کرد.
  ۸. سوره بینه. ﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾

کفار از اهل کتاب و مشرکان، از کفر و شرک خود دست بردار نیستند، مگر آن که برایشان شاهد و بیینه بیاید.

۹. سوره فیل. ﴿ألم تر كيف فعل ربك باصحاب الفيل﴾ آیا ندیدی که پروردگارت با سپاه فیل چه کرد؟

۱۰. سوره کافرون. ﴿قل يا أيها الكافرون﴾ ای پیامبر! به کافران بگو.

۱۱. سوره مسد. ﴿تبت يدا أبي لهب و تب﴾ دستان ابولهب بریده باد.

□ عبارت ﴿صدوا عن سبيل الله﴾ را دو گونه می توان معنا کرد:

الف) به معنای اعراض کردن، یعنی خودشان از راه خدا اعراض کردند.

ب) به معنای ممانعت کردن، یعنی مردم را از راه خدا بازداشتند.<sup>(۱)</sup>

□ عبارت ﴿أضل أعمالهم﴾ را نیز دو گونه می توان معنا کرد:

الف. خداوند اعمال خوب کفار و مشرکان، مانند صدقه و انفاق به فقرا را به دلیل کفر و منحرف کردن مردم، باطل و بی اثر می کند، به گونه ای که در آخرت در پرونده آنان خبری از این چیزها نیست.

ب. خداوند، تلاش های آنان برای از بین بردن اسلام و شکست مسلمانان را بی اثر می سازد تا به مقصد و هدف نائل نشوند.

□ اعمال کفار همه تباه است. ﴿أضل أعمالهم﴾ این تباهی اعمال کفار با چند تعبیر در قرآن کریم آمده است:

- ﴿كرماذ اشتدت به الريح في يوم عاصف﴾<sup>(۲)</sup>، اعمال کافران چون خاکستری است که در روزی طوفانی، بادی سخت بر آن بوزد.

- ﴿فحبطت اعمالهم﴾<sup>(۳)</sup> اعمال کفار محو می شود.

- ﴿كسراب بقیعة﴾<sup>(۴)</sup> اعمال کفار همچون سرابی است که تشنگان، آن را آب می پندارند.

۳. کهف، ۱۰۵.

۲. ابراهیم، ۱۸.

۱. تفسیر مخزن العرفان.

۴. نور، ۳۹.

## پیام‌ها:

- ۱- در روانشناسی تبلیغ، گاهی باید بی مقدمه سخن گفت. ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِينَ كَفَرُوا...﴾
- ۲- معمولاً هر انحرافی انحراف دیگر را به دنبال دارد، بعضی ابتدا کفر می‌ورزند و آنگاه مانع ایمان دیگران می‌شوند. ﴿كُفِرُوا وَ صَدُوا﴾
- ۳- تلاش کفار ناکام می‌شود، کوشش آنان عاقبت ندارد و مردم دیر یا زود حقیقت را خواهند فهمید. ﴿صَدُوا... أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾
- ۴- راه خدا دشمن دارد و دشمنان بیکار نمی‌نشینند و در صدد انحراف دیگرانند. ﴿صَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ﴾
- ۵- تباه کردن اعمال، نوعی کیفر الهی برای کفار است. ﴿كُفِرُوا... أَضَلَّ﴾

﴿۲﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيْنَا مِنْ حَمْدٍ وَ

هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَتْ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بِاللَّهِمْ

و کسانی که (به خدا) ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند و به آنچه بر محمد نازل شده که حق است و از جانب پروردگارشان است، ایمان آورده‌اند، خداوند بدی‌های آنان را پوشاند و کارشان را به سامان رساند.

## نکته‌ها:

- کلمه «بال» یا به معنای کار و حالات و شئون است و یا به معنای روح و قلب.
- تکرار جمله «آمنوا»، نشانه آن است که باید ایمان به وحی و دستورات پیامبر هم وزن ایمان به خدا باشد همچنین خداشناسی و جهان بینی صحیح و رفتارهای خوب به تنهایی نجات‌بخش نیست، بلکه ایمان به رسالت پیامبر اسلام و شریعت او نیز لازم است.
- مراد از ﴿عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ انجام تمام کارهای صالح نیست، زیرا انجام تمام آنها برای انسان ممکن نیست. چنانکه مراد این نیست که تمام کارهای مؤمنان صالح است، زیرا به

دنبال آن می‌فرماید: ﴿كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ﴾ بدی‌های آنان را جبران می‌کنیم.<sup>(۱)</sup> بلکه مراد انجام کارهای نیک در هر زمینه‌ای به مقدار توان و در حد امکان است.

□ مراد از ﴿مَا نَزَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ﴾ وحی الهی است که هم شامل قرآن می‌شود و هم شامل سنت پیامبر اکرم ﷺ چنانکه در قرآن می‌خوانیم: ﴿مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾<sup>(۲)</sup> سخنان او از روی هوا و هوس نیست.

□ همان‌گونه که تکلیف نماز و روزه بر پیامبر نازل شد، دستور تعیین جانشین نیز در حجة‌الوداع نازل شد. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ...﴾<sup>(۳)</sup> بنابراین بشارت در این آیه مخصوص کسانی است که به تمام آنچه بر پیامبر نازل شده (نه فقط به بخشی از آن)، ایمان داشته باشند.

### پیام‌ها:

- ۱- ایمان، درجات و مراحل دارد و امری کمال‌پذیر است. ﴿آمِنُوا... و آمِنُوا﴾
- ۲- ایمان و عمل، از یکدیگر جدا نمی‌شوند. ﴿آمِنُوا و عملوا الصَّالِحَاتِ و آمِنُوا﴾
- ۳- ایمانی ارزش دارد که به اطاعت کامل از دستورات الهی بیانجامد. ﴿بِمَا نَزَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ﴾
- ۴- پیروی از دستورات انبیا، طبق ملاک و معیار حق است. ﴿و هو الحق﴾
- ۵- احکام و شریعت دین، برای رشد و تربیت انسان است. ﴿نَزَّلَ... من رَبِّهِمْ﴾ (به عبارت دیگر، ربوبیت الهی اقتضا می‌کند که برای رشد و تربیت بندگان، برنامه‌ای حقیقی و به دور از انحراف فرو فرستاده شود).
- ۶- معیار حق و حقیقت، مطابقت با وحی و دستورات خداست. ﴿هو الحق من رَبِّهِمْ﴾
- ۷- پیامبر اسلام از پیش خود حرفی نمی‌زند، آنچه می‌گوید وحی است. ﴿نَزَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ... من رَبِّهِمْ﴾
- ۸- برای دریافت الطاف الهی، ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه عمل صالح و

۳. مائده، ۶۷.

۲. تحریم، ۳.

۱. تفسیر اطیب البیان.

پیروی از رسول خدا نیز لازم است. ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نَزَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا... كَفَرْنَا عَنْهُمْ... وَأَصْلِحْ يَا أَيُّهَا الْمَوْلَىٰ﴾

- ۹- ایمان و عمل صالح، گذشته‌ها را جبران و آینده را بیمه می‌کند. ﴿كَفَرْنَا... اصْلِحْ﴾  
 ۱۰- کفر، سبب تباهی عمل، و ایمان و عمل صالح، سبب اصلاح عمل می‌گردد.  
 ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا... أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ - الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... أَصْلِحْ يَا أَيُّهَا الْمَوْلَىٰ﴾  
 ۱۱- گناهان و بدی‌ها مانع اصلاح انسان است، ابتدا باید آنها برطرف شود تا زمینه اصلاح فراهم گردد. ﴿كَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلِحْ يَا أَيُّهَا الْمَوْلَىٰ﴾  
 ۱۲- خداوند با تهدید کفار ﴿أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ و بشارت به مؤمنان ﴿أَصْلِحْ يَا أَيُّهَا الْمَوْلَىٰ﴾، از پیامبر و اهل ایمان دلجویی می‌کند.

﴿۳﴾ ذٰلِكَ بِاَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اتَّبَعُوْا الْبَاطِلَ وَاَنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اتَّبَعُوْا الْحَقَّ مِنْ رَّبِّهِمْ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ لِلنَّاسِ اَمْثَالَهُمْ

این (دو گونه سرانجام) به خاطر آن است که کسانی که کفر ورزیدند، از باطل پیروی کردند و کسانی که ایمان آوردند، از همان حقی که از طرف پروردگارشان (نازل شده) است پیروی نمودند. این گونه خداوند برای (بیداری) مردم، مثال حالشان را بیان می‌کند.

#### نکته‌ها:

- مقایسه و تفکیک میان سرانجام کافران و مؤمنان، یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن است که در این چند آیه مکرر بیان شده است.
- در این آیه، ایمان و کفر بر اساس حق و باطل از یکدیگر جدا شده‌اند که بیانگر منطق قرآن در برخورد با مخالفان است.

#### پیام‌ها:

- ۱- سرنوشت و عاقبت خوب یا بد انسان، تابع افکار و اعمال اوست. ﴿أَضَلَّ﴾



- اعمالهم... أصلح بالهم - ذلك بانّ الذين... ﴿
- ۲- باطل‌گرایی، زمینه‌گرایی به کفر است. ﴿الذين كفروا اتبعوا الباطل﴾
- ۳- هر راهی که در مقابل حقّ قرار گیرد، باطل و بی‌اساس است و میان حق و باطل، راه سومی وجود ندارد. ﴿اتبعوا الباطل... اتبعوا الحق﴾
- ۴- باطل، از ناحیه انسان است و به خدا نسبتی ندارد ولی حق از سوی خداوند است و حقایق آسمانی پوچ نیستند. ﴿الحقّ من ربهم﴾
- ۵- مصداق بارز و روشن حقّ، قرآن است. ﴿اتبعوا الحقّ من ربهم﴾ (در آیه قبل خواندیم: ﴿ما نزل علی محمد و هو الحقّ من ربهم﴾)
- ۶- استفاده از مثال و بیان عوامل سعادت و شقاوت انسان در قالب تمثیل، از اصول تربیتی قرآن است. ﴿ذلك بانّ... كذلك يضرب الله للناس امثالهم﴾

﴿ ۴ ﴾ فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَأُنْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ

پس هرگاه با کسانی که کافر شدند (در میدان جنگ) روبرو شدید، گردن‌هایشان را بزنید تا آن که آنان را از پا درآورید (و چون در دست شما اسیر شوند) پس آنان را سخت ببندید (تا فرار نکنند) سپس، یا بر آنان منت نهید (و آزادشان کنید) و یا با گرفتن فدیة و عوض، رهایشان کنید تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد. این است (دستور خداوند) و اگر خداوند اراده می‌کرد، (از طریق صاعقه و زلزله و دیگر بلاها) از آن کفار انتقام می‌کشید، ولی خدا (فرمان جنگ داد) تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید و کسانی که در راه خدا کشته شدند، هرگز خداوند اعمالشان را از بین نمی‌برد.

## نکته‌ها:

- «أثختموهم» از «ثخن» به معنای غلبه کامل و زمین‌گیر کردن دشمن است. «و ثاق»، وسیله بستن مثل طناب است.
- فلسفه جهاد در اسلام، چند امر است:
- الف) برای دفاع از خود یا دیگر مظلومان. «أذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا»<sup>(۱)</sup>، «كما یقاتلونکم كافة»<sup>(۲)</sup>
- ب) به جهت برانداختن فساد و فتنه. «قاتلوهم حتی لا تكون فتنه»<sup>(۳)</sup>
- ج) برای حفظ مراکز توحیدی. «لو لادفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع»<sup>(۴)</sup>
- د) برای دفاع از احکام و حدود الهی. «قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و لا یحرّمون ما حرّم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق»<sup>(۵)</sup>
- این آیه مربوط به میدان نبرد است، یعنی در صحنه‌ی جنگ که کافران در برابر شما ایستاده‌اند و قصد از میان برداشتن شما را دارند، شما با قاطعیّت و صلابت بجنگید و آنان را بکشید و پس از غلبه کامل بر آنان و اطمینان از درهم شکستن قوای دشمن، اسیر بگیرید و پس از پایان جنگ، هرگونه که رهبر اسلامی مصلحت دانست، جنگ، در قبال گرفتن عوض یا بدون آن، اسیران را آزاد کنید.
- لذا برخی که گمان کرده‌اند آیه می‌گوید: هر کافری را هرکجا یافتید بکشید، به واژه «حرب» به معنای جنگ و مسئله اسارت که در جنگ پیش می‌آید، توجّهی نکرده‌اند.
- از پیامبر ﷺ سؤال شد که شهید در راه خدا کیست؟ آیا کسی که با انگیزه به رخ کشیدن شجاعت خود و یا به خاطر تعصبات خانوادگی و قومی و یا از روی ریا و خودنمایی جنگیده و جان خود را از دست داده، شهید است؟
- حضرت فرمودند: «مَنْ قَاتَلَ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعَلِيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>(۶)</sup> شهید، کسی است که برای اعتلای راه خدا جنگیده باشد.

۳. بقره، ۱۹۳.

۲. توبه، ۳۶.

۱. حج، ۳۹.

۶. تفسیر فرقان.

۵. توبه، ۲۹.

۴. حج، ۴۰.

## پیام‌ها:

- ۱- از میان کافران، تنها آنان را که در برابر شما به جنگ ایستاده‌اند، از میان بردارید. ﴿فَاذَا لَقِيتُمْ﴾
- ۲- رزمنده مسلمان باید آماده، آموزش دیده و شجاع باشد. ﴿فَضْرِبِ الرِّقَابَ﴾
- ۳- هدف اصلی در حمله به دشمن، نقاط کلیدی و حساس باشد. ﴿الرِّقَابَ﴾
- ۴- تا دشمن از پای در نیامده و زمین‌گیر نشده، به فکر اسیر گرفتن و جمع غنائم نباشید. ﴿حَتَّىٰ إِذَا اثَّخْتُمُوهُمْ﴾
- ۵- در هنگام نبرد محکم کاری کنید تا دشمن سوء استفاده نکند و اسیران فرار نکنند. ﴿فَشُدُّوا الرِّبَاطَ﴾
- ۶- در جبهه باید اختیاراتی به فرمانده تفویض شود. ﴿فَمَا مَتَّأً بَعْدَ وَاِمَّا فِدَاءً﴾
- ۷- هدف از جهاد، جلوگیری از ظلم و یا از بین بردن ظلم و ستم است و لذا عفو و بخشش اسیران از سفارش‌های اسلام است. ﴿فَمَا مَتَّأً بَعْدَ وَاِمَّا فِدَاءً﴾
- ۸- در جهاد اسلامی، هم قدرت لازم است، ﴿فَضْرِبِ الرِّقَابَ﴾ و هم عطوفت و مهربانی. ﴿فَمَا مَتَّأً بَعْدَ وَاِمَّا فِدَاءً﴾
- ۹- آزاد کردن اسیران، بدون گرفتن عوض، بر آزاد کردن با عوض مقدم است. ﴿فَمَا مَتَّأً بَعْدَ وَاِمَّا فِدَاءً﴾
- ۱۰- جنگ و جهاد، یکی از زمینه‌های آزمایش الهی است. ﴿لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ﴾
- ۱۱- جهاد در اسلام، برای حفظ دین خداست، نه کشورگشایی، استعمار، تهدید، رقابت، انتقام، حسادت و... ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾
- ۱۲- گرچه در جنگ بعضی شهید می‌شوند ولی خداوند اهدافشان را به ثمر می‌رساند و زحمات آنان هرگز تباہ نمی‌شود. ﴿قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾
- ۱۳- جنگ، میدان آزمایش الهی و کفار، وسیله آزمایش و شهدا، پیروزمندان این آزمایشند. ﴿لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَّالَّذِينَ قَتَلُوا... فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾

## ﴿ ۵ ﴾ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِاللَّهِمْ

خداوند، به زودی آنان را (به سوی مقامات والا) هدایت می‌کند و حال و کارشان را نیکو می‌گرداند.

## ﴿ ۶ ﴾ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ

و در بهشتی که برای آنان توصیف کرده، وارد می‌سازد.

## پیام‌ها:

- ۱- هدایت الهی، دائمی است و حتی پس از مرگ و شهادت نیز ادامه دارد. ﴿قتلوا... سیهدیهم﴾
- ۲- هنگام رفتن به جبهه و جهاد، نگران زندگی فردی و خانوادگی خود نباشید. ﴿یصلح بالهم﴾
- ۳- شهادت در راه خدا، همه‌ی نابسامانی‌های انسان را جبران می‌کند؛ لغزش‌ها بخشیده و عیب‌ها نادیده گرفته می‌شود. ﴿یصلح بالهم﴾
- ۴- مدیریت کارهای شهید را ذات مقدس خداوند بر عهده دارد. ﴿سیهدیهم... یصلح...﴾
- ۵ - تشویق‌ها و پاداش‌های بزرگ، بهترین وسیله برای ایجاد انگیزه در کارهای سخت است. ﴿فلن یضلّ اعمالهم... سیهدیهم... یدخلهم الجنة﴾
- ۶- شناخت قبلی از پاداش، لذت و شوق انسان را به هنگام دریافت آن بیشتر می‌کند. ﴿الجنة عرفها لهم﴾

## ﴿ ۷ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.

## نکته‌ها:

- انسان، موجودی محدود است و نصرت و یاری او از راه خدا نیز محدود؛ ولی خداوند بی نهایت است و نصرت او برخاسته از قدرت نامحدود.
- خداوند چند چیز را در گرو چند چیز بر خود لازم کرده است:
- توجه و یادکردش را در گرو یادکرد انسان. ﴿فَاذْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ﴾<sup>(۱)</sup>
  - نصرت و یاریش را در گرو یاری انسان. ﴿ان تَنْصُرُوا اللّٰهَ يَنْصُرْكُمْ﴾
  - برکت و ازدیاد را در گرو سپاسگزاری انسان. ﴿لئن شکرتم لازیدنکم﴾<sup>(۲)</sup>
  - وفای به عهدش را در گرو وفاداری انسان.<sup>(۳)</sup> ﴿اوفوا بعهدی اوف بعهدکم﴾<sup>(۴)</sup>
- حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: اگر خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری می‌کند و گام‌های شما را استوار می‌سازد... خداوند از روی خواری و ناچاری از شما نصرت و یاری نمی‌خواهد... او از شما یاری خواسته در حالی که خود عزیز و حکیم است و سپاهیان آسمان‌ها و زمین به فرمان او هستند. نصرت خواهی و استقراض الهی برای آن است که شما را بیازماید و بهترین عامل به نیکی‌ها را مشخص سازد.<sup>(۵)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- لازمه‌ی ایمان، اقدام عملی در جهت نشر و گسترش دین الهی است. ﴿یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا اللّٰه...﴾
- ۲- جهاد با کفار محارب، یکی از مصادیق یاری دین خداوند است. ﴿فَضْرِب الرقاب... ان تنصروا اللّٰه...﴾
- ۳- پاداش و کیفر الهی، با عملکرد انسان همگون است. ﴿تَنْصُرُوا اللّٰهَ يَنْصُرْكُمْ﴾
- ۴- هرکس با فکر، زبان و عمل خویش، دین اسلام را یاری کند، خداوند نیز او را حمایت می‌کند. ﴿ان تَنْصُرُوا اللّٰهَ يَنْصُرْكُمْ﴾

۳. تفسیر کشف الاسرار.

۲. ابراهیم، ۷.

۱. بقره، ۱۵۲.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳.

۴. بقره، ۴۰.

- ۵ - دریافت الطاف الهی، به تلاش انسان بستگی دارد. ﴿ان تنصروا الله ینصرکم﴾ (انتظار نصرت خداوند بدون تلاش و کوشش، توقّعی نابجاست.)
- ۶- در میان امدادهای الهی، ثابت قدم بودن، برجسته‌ترین آنهاست. (بعد از نصرت الهی نام پایداری آمده است.) ﴿ینصرکم و یتبّث اقدامکم﴾
- ۷- پاداش‌های الهی بیش از عملکرد ما است. ﴿ان تنصروا الله ینصرکم و یتبّث اقدامکم﴾

### ﴿۸﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ

و کسانی که کفر ورزیدند، بر آنان نگون ساری باد و (خداوند) اعمالشان را نابود گردانید.

### ﴿۹﴾ ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ

این (هلاکت) به خاطر آن است که آنچه را خداوند نازل کرده، ناخوش داشتند، پس (خداوند) کارهایشان را تباہ (و بی ارزش) نمود.

#### نکته‌ها:

- کلمه «تعس» به معنای لغزیدن، سقوط کردن و به رو افتادن است.
- یکی از بهترین راه‌های تربیت، روش مقایسه است. در آیات قبل نسبت به مؤمنان شهید فرمود: ﴿فلن یضلّ اعمالهم﴾ در این آیه نسبت به کفار می‌فرماید: ﴿أضلّ اعمالهم﴾ این مقایسه، نویدی برای مؤمنان مجاهد است. همچنین در مورد مؤمنان فرمود: ﴿یتبّث اقدامکم﴾ خداوند گام‌هایشان را استوار می‌سازد و این آیه در مورد کافران می‌فرماید: ﴿فتعسا لهم﴾ آنها در لغزشگاه‌ها و پرتگاه‌ها سقوط می‌کنند.

#### پیام‌ها:

- ۱- نفرین بر کفار لجوج رواست. ﴿فتعسا لهم...﴾ (چنانکه در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿تبّث یدا اَبی لهب﴾)

- ۲- کفر، مایه‌ی تباهی و نابودی است. ﴿کفروا... أضلّ أعمالهم﴾
- ۳- کراهت از دستورهای الهی، نشانه‌ی نوعی کفر در وجود انسان است. ﴿والَّذین کفروا... کرهوا ما أنزل الله﴾
- ۴- کیفرهای الهی، به میزان کفر و کراهت انسان است. ﴿کفروا... ذلك بانهم...﴾
- ۵- کراهت از قرآن و اعراض از آن، موجب حبط و تباهی اعمال خیر می‌شود. ﴿کرهوا... فاحبط أعمالهم﴾
- ۶- انگیزه و نشاط، به کارها ارزش می‌دهد. کسی که نسبت به فرمان‌های خداوند ناراضی است، کارهایش ارزشی ندارد. ﴿کرهوا... فاحبط أعمالهم﴾

﴿ ۱۰ ﴾ أَفَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللهُ عَلَیْهِمْ وَلِلْکَافِرِینَ أَمْثَالُهَا

پس آیا در زمین سیر نکردند، تا بنگرند سرانجام کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟ خداوند آنان را هلاک کرد و برای این کافران نیز همانند آن کیفرها خواهد بود.

**نکته‌ها:**

- «دَمَّرَ» از «تدمیر» به معنای نابودی، هلاکت و زیر و رو کردن است و آنگاه که در کنار آن، «علی» قرار گیرد، شدت را می‌رساند.
- در قرآن نابودی و هلاکت مردم، بر اساس عملکرد و خلق و خوی آنان است:
- گروهی به خاطر طغیان هلاک شدند. ﴿أهلکوا بالطّغیة﴾<sup>(۱)</sup>
- برخی به خاطر لجاجت و انکار. ﴿تدمر کلّ شیء بامر ربّها... اذکانوا یجحدون﴾<sup>(۲)</sup>
- عده‌ای به دلیل مکر و حيله. ﴿فانظر کیف کان عاقبة مکرهم اتّادمّرناهم و قومهم اجمعین﴾<sup>(۳)</sup>

۳. نمل، ۵۱.

۲. احقاف، ۲۵.

۱. حاقه، ۵.

- گروهی به خاطر گناه. «فاهلکناهم بذنوبهم»<sup>(۱)</sup>  
 - برخی به خاطر ظلم و ستم. «اهلکناهم لَمَّا ظلموا»<sup>(۲)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- افراد غافل که از هلاکت گذشتگان عبرت نمی‌گیرند، قابل توبیخ و سرزنش هستند. «أفلم یسیروا»
- ۲- سیر و سیاحت و جهانگردی باید هدفدار و برای بررسی تاریخ ملت‌ها و عامل عبرت و رشد باشد. «أفلم یسیروا... فینظروا»
- ۳- مطالعه تاریخ و شناخت سرنوشت ملت‌ها، در جهان بینی و ایمان انسان نقش دارد. «أفلم یسیروا... فینظروا»
- ۴- جلوه‌های رفاه مهم نیست، پایان و عاقبت کار مهم است. «کیف کان عاقبة»
- ۵- کارهای خداوند حکیمانه و قانونمند است. «دمّر الله... و للکافرین امثالها»
- ۶- اراده خداوند بر تاریخ و طاغوت‌ها، غالب و حاکم است. «دمّر الله...»
- ۷- قهر الهی در انحصار یک یا چند نمونه نیست، او می‌تواند به شکل‌های گوناگون قهر خود را نشان دهد. «للکافرین أمثالها»

﴿ ۱۱ ﴾ ذَلِكِ بَيِّنَاتٌ لِّمَنْ آمَنَ وَأَنَّ الْكٰفِرِينَ لَا مَوْلٰى لَهُمْ

این (کیفر کافران) به خاطر آن است که خداوند، یاور کسانی است که ایمان آورده‌اند و همانا کافران یآوری ندارند.

## نکته‌ها:

- مراد از «مولى»، دوست و یاور است وگرنه همه‌ی هستی تحت ولایت خدا می‌باشد و در این جهت، تفاوتی میان مؤمن و کافر نمی‌باشد.
- مؤمنانی که در این دنیا به ظاهر بی‌یار و یاور بوده و تکیه‌گاهشان فقط خدا بود، روز قیامت

۱. انفال، ۵۴.

۲. کهف، ۵۹.



خداوند یاور آنان است. ﴿اللّٰهُ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا﴾ چنانکه در دنیا نیز چنین است: ﴿اللّٰهُ وَلِيّ الَّذِينَ آمَنُوا﴾<sup>(۱)</sup> اما کافران که در دنیا دوستان و یاورانی داشته‌اند، ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءَهُمُ الطَّاغُوتُ﴾<sup>(۲)</sup> در قیامت مشخص می‌شود که اینان یاور واقعی آنها نیستند. ﴿وَإِنَّ الْكَافِرِينَ لَمَوْلَى لَهُمْ﴾

### پیام‌ها:

- ۱- ایمان، وسیله جلب حمایت‌های الهی و کفر، عامل از دست دادن آنهاست. ﴿اللّٰهُ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَإِنَّ الْكَافِرِينَ لَمَوْلَى لَهُمْ﴾
- ۲- در روز قیامت، هیچ یک از حامیان کفار و مشرکان، کارساز نیستند. ﴿وَإِنَّ الْكَافِرِينَ لَمَوْلَى لَهُمْ﴾

﴿ ۱۲ ﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ

همانا خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به باغ‌هایی (از بهشت) که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است داخل می‌کند. و کسانی که کفر ورزیدند (از زندگی دنیا) بهره می‌گیرند و همانند که چهارپایان می‌خورند و (سرانجام) آتش جایگاه آنهاست.

### نکته‌ها:

- در این آیه، خوردن کفار به خوردن چهارپایان تشبیه شده است و این شباهت می‌تواند از چند جهت باشد، از جمله:
- الف) تمام همّت حیوانات رسیدن به غذاست. چنانکه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «همّها علفها»<sup>(۳)</sup> همّ و غمّ حیوانات رسیدن به خوراک است. کفار نیز جز کامیابی اراده‌ای ندارند.

۱. بقره، ۲۵۶.

۲. بقره، ۲۵۶.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

﴿ولم یرد الّا الحیاة الدنیا﴾<sup>(۱)</sup>

ب) چهارپایان غافلند، کفار نیز از قیامت و مسئولیت غافلند. ﴿أولئک کالانعام بل هم أضل أولئک هم الغافلون﴾<sup>(۲)</sup>

ج) حیوانات، سرچشمه غذا را که از حلال است یا حرام نمی‌دانند. بعضی انسان‌ها نیز فکر حلال و حرام نیستند و به گفته قرآن همین که به ارث و مال بی زحمتی رسیدند، بدون توجه به حقوق دیگران در آن تصرف می‌کنند. ﴿و تأکلون التراث کلاً لئماً﴾<sup>(۳)</sup>

□ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: کسی که تمام ثوابش را در راه شکمش قرار داده، ارزشش همان چیزی است که از او خارج می‌شود.<sup>(۴)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- وارد ساختن مؤمنان به بهشت، جلوه‌ای از ولایت الهی است. ﴿بأنّ الله مولی الذین آمنوا... ان الله یدخل﴾
- ۲- اهل ایمان و عمل صالح در مقامی هستند که خداوند خود عهده‌دار وارد ساختن آنان به بهشت است. ﴿ان الله یدخل...﴾
- ۳- ملاک، پایان کار است و گرنه بهره‌گیری‌های مادی، کم و بیش برای همه هست. ﴿جئات تجری... یا کل کما تأکل الانعام﴾
- ۴- برای تشویق به حق، از تمایلات طبیعی مردم استفاده کنید. (انسان به طور طبیعی از باغ و نهر لذت می‌برد) ﴿جئات تجری﴾
- ۵- بهره‌گیری و کامیابی در چهارچوب مقررات الهی جایز است. (آنچه مورد انتقاد قرآن است، کامیابی‌های حیوان‌گونه است) ﴿یا کلون کما تأکل الانعام﴾
- ۶- شکم‌پرستی، برجسته‌ترین نفسانیات انسان است، زیرا مقام، مال و شهوت، هر چند صباحی به سراغ انسان می‌آید، ولی شکم دائماً مزاحم است. (قرآن

۳. فجر، ۱۹.

۲. اعراف، ۱۷۹.

۱. نجم، ۲۹.

۴. غررالحکم.

در کنار عنوان کامیابی، نام خوردن را جداگانه آورده است. ﴿يَسْتَمْتَعُونَ وَيَأْكُلُونَ﴾

۷- زندگی کفار، از نظر ماهیت حیوانی است و از نظر پایان و فرجام، دوزخی.

﴿كَمَا تَأْكُلُ الْإِنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ﴾

۸- در ارزیابی‌ها، عاقبت‌کار را هم به حساب آورید. ﴿النَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ﴾

﴿۱۳﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتكَ

أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ

و چه بسیار (مردم) شهرها که از (مردم) شهری که تو را بیرون کردند،

نیرومندتر بودند، ما آنان را هلاک کردیم و برای آنان هیچ یآوری نبود.

### نکته‌ها:

□ انبیا علاوه بر شنیدن تهمت‌هایی از قبیل شاعر، کاهن، ساحر و مجنون، به انواع خطرات نیز تهدید شده‌اند، مانند:

الف) قتل. ﴿إِنَّ الْمَلَائِئِةَ يَأْتُمُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ﴾<sup>(۱)</sup> جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشستند.

ب) شکنجه. ﴿لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ﴾<sup>(۲)</sup> به نوح گفتند: تو از سنگسار شدگانی.

ج) تبعید و اخراج. ﴿لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ﴾<sup>(۳)</sup> ای شعیب! ما تو را تبعید خواهیم کرد.

د) زندان. ﴿لَا جَعَلْنَاكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ﴾<sup>(۴)</sup> ای موسی! ما تو را از زندانیان قرار خواهیم داد.

□ این آیه به پیامبر دلداری می‌دهد که ما همه آن اقوام پیشین را هلاک کردیم با آنکه از مردم مکه بسیار قوی‌تر بودند.

□ گرچه پیامبر اسلام با اراده خود هجرت کرد، ولی چون کفار مکه شرایط سختی را برای آن

حضرت به وجود آورد که باعث تصمیم پیامبر به هجرت شد، لذا خداوند، خروج حضرت را

۳. اعراف، ۸۸.

۲. شعراء، ۱۱۶.

۱. قصص، ۲۰.

۴. شعراء، ۲۹.

به مردم مکه نسبت می‌دهد. ﴿اخرجتك﴾

### پیام‌ها:

- ۱- آشنایی با تاریخ، انگیزه‌ای برای مقاومت در برابر نامالایمات است. ﴿و کائین﴾
- ۲- اقوام ستمگری که در تاریخ هلاک شده‌اند، زیادند. ﴿و کائین من قرية... اهلکناهم﴾
- ۳- از قدرت‌های غیر الهی نترسید که همه در برابر قدرت الهی هیچ‌اند. ﴿اشدّ قوّة من قریتک... اهلکناهم﴾
- ۴- کفار، گاهی علاوه بر عذاب اخروی، ﴿النار مثوی لهم﴾ عذاب دنیوی هم دارند. ﴿اهلکناهم﴾
- ۵- عاقبت ابرقدرت‌های ظالم، هلاکت و نابودی است. ﴿اشدّ قوّة... اهلکناهم...﴾
- ۶- چه بسا فشارها و سختی‌ها که عامل حرکت و برکت می‌شود. ﴿اخرجتک...﴾ (گرچه خداوند از عکس العمل مردم مکه در برابر دعوت پیامبر که باعث هجرت پیامبر شد انتقاد کرده، اما این هجرت برکاتی را در پی داشت.)
- ۷- مصلحان و مبلغان دینی باید آمادگی کامل برای هر گونه اذیت و آزاری را از جانب مخالفان داشته باشند. ﴿اخرجتک﴾
- ۸- در برابر قهر الهی هیچ یآوری نیست. ﴿فلاناصر لهم﴾

﴿ ۱۴ ﴾ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

پس آیا کسی که بر دلیل روشنی از طرف پروردگارش است، همچون کسی است که بدی کردارش در نظرش آراسته شده و از هوس‌هایش پیروی کرده است؟

### نکته‌ها:

□ «بیّنه» در اصل به چیزی می‌گویند که میان دو چیز فاصله و جدایی ایجاد می‌کند به

گونه‌ای که دیگر هیچ گونه ربط و اتصالی با هم نداشته باشند. به همین خاطر به دلیل روشن و آشکاری که حق را از باطل جدا می‌کند «بینه» می‌گویند.<sup>(۱)</sup>

□ پیامبر با منطق و بینه به سراغ مردم می‌آید، ولی مردم با خوب پنداشتن راه خود و پیروی از هوس‌های خویش با او برخورد می‌کنند.

□ رسالت پیامبر اسلام همراه با بینه است. آن حضرت از جانب خداوند مأمور است و از پیش خود حرفی ندارد و بر این امر تأکید می‌ورزد. «اِنَّ عَلٰی بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّيَّ»<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- تکیه‌گاه مؤمن، دلیل و برهان است، «بینه من ربّه» اما کفار به پندار و هوس خویش تکیه دارند. «زین له سوء عمله»
- ۲- خودمحوری، نقطه مقابل خدامحوری است. کسی که در برابر دلیل و استدلال تواضع نکند، پیرو هوس‌های خود و دیگران خواهد شد. «بینه من ربّه... اتبعوا اهوئهم»
- ۳- انسان فطرتاً با بدی مخالف است و هر کجا می‌خواهد دست به کار زشتی بزند، ابتدا آن را رنگ و لعاب زیبایی می‌زند. «زین له سوء عمله»
- ۴- مقتضای ربوبیت، نشان دادن دلایل روشن است. «بینه من ربّه»
- ۵- بعضی از کارها دارای قبح ذاتی است. یعنی ذات و حقیقت آن عوض نمی‌شود گرچه زیباسازی و تقلب صورت بگیرد. «زین له سوء عمله»
- ۶- انسان برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی، کارهای زشت را به گونه‌ای توجیه می‌کند که انجام آن زیبا و پسندیده باشد. «زین له سوء عمله و اتبعوا اهوئهم»

۱. تفسیر نمونه.

۲. انعام، ۵۷.

﴿۱۵﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ حَمْرٍ لَّذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ

وصف بهشتی که اهل پروا به آن وعده داده شده‌اند، (چنین است:) در آن نهرهایی است از آبی که بدبو شدنی نیست و نهرهایی از شیر که مزه آن دگرگونی ندارد و نهرهایی از شراب که برای نوشندگان لذت بخش است و نهرهایی از عسل مصفا و ناب. و برای آنان در آنجا هرگونه میوه‌ای موجود است و نیز آمرزشی از طرف پروردگارشان. (آیا اینان) همانند کسانی هستند که در آتش جاودانه‌اند و آبی جوشان، نوشانده می‌شوند، که اندرونشان را متلاشی می‌کند.

### نکته‌ها:

- آنچه به اجمال در مورد بهشت در آیه دوازده مطرح شد «جَنّات تجری»، مشروح آن در این آیه بیان شده است. «فیها أنهار... و أنهار... و أنهار»
- انواع نهرهای بهشتی در این آیه مطرح شده، لیکن برای گروه خاصی در بهشت چشمه‌ای ویژه وجود دارد. «عیناً یشرّب بها المقربون»<sup>(۱)</sup> چشمه‌ای که تنها مقربان از آن می‌نوشند.
- برای هر چیزی کمالی است، کمال آب، بو نداشتن و کمال شیر، تغییر نکردن مزه آن و کمال نوشیدنی‌ها، لذیذ بودن و کمال عسل، خالص بودن آن است.
- با توجه به تکرار کلمه «انهار» می‌توان فهمید که هر یک از شیر و عسل و شراب و آب، دارای چندین نهر است.
- امام حسین علیه السلام فرمود: مغفرتی که در بهشت نصیب اهل بهشت می‌شود، بهترین نعمت برای آنان است و آنگاه به آیه ۷۲ سوره توبه استناد کردند.<sup>(۲)</sup> «و رضوان من الله اکبر»

۱. مطففین، ۲۸.

۲. بحار، ج ۸، ص ۱۴۰.

□ ممکن است مراد از مغفرت در بهشت، زدودن یاد لغزشها از خاطر بهشتیان باشد تا به یاد لغزشهای دنیوی خود نیفتند و خاطرشان ملول نگردد.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- در برابر جلوه‌ها و زینت‌های دنیوی که وسیله‌ی ارتکاب برخی گناهان می‌گردد، با بیان جلوه‌ها و زیبایی‌ها و کامیابی‌های بهشت، مردم را به حق دعوت کنید. ﴿مَثَلِ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ...﴾
- ۲- کسانی که به خاطر تقوا، از کامیابی‌های زودگذر و نامشروع پروا می‌کنند، به کامیابی پایدار خواهند رسید. ﴿وَعَدَ الْمُتَّقُونَ﴾
- ۳- امیددادن به سرانجامی نیکو، عامل گرایش به حق و تقواست. ﴿وَعَدَ الْمُتَّقُونَ﴾
- ۴- تعدّد و تنوّع طلبی، خواست طبیعی بشر است. ﴿انهاراً... انهاراً﴾
- ۵- در بهشت، در کنار نعمت‌های مادی و جسمانی، نعمت‌های معنوی و روحی نیز هست. ﴿انهاراً... مغفرة...﴾
- ۶- نعمت‌های بهشتی از هر گونه آفت و نقص و تغییر به دورند. ﴿غیر آسن... لم یتغیّر طعمه... مصفی﴾
- ۷- آب و هوای بهشت، نعمت‌ها را متغیّر و مسموم و بد بو نمی‌کند. ﴿لم یتغیّر...﴾
- ۸- نعمت‌هایی را که بهشتیان دریافت می‌کنند، در سایه مغفرت پروردگار است. ﴿مغفرة من ربهم﴾
- ۹- در بهشت انواع میوه‌ها، به مقدار وفور وجود دارد. ﴿کل الثمرات﴾
- ۱۰- در دوزخ، آب جوشان را با زور و ذلّت به کفّار می‌نوشانند. ﴿سقوا﴾
- ۱۱- تشویق و تهدید در کنار هم سازنده است. ﴿انهاراً... ماء حمیماً﴾
- ۱۲- معاد، جسمانی است. (شیر و عسل، نشانه کامیابی جسمانی است، چنانکه قطعه قطعه شدن اندرون کفّار بر آن دلالت دارد). ﴿فقطّع امعائهم﴾

۱. تفسیر راهنما.

۱۳- حساب جسم و بدن انسان در قیامت، با جسم و بدن او در دنیا فرق می‌کند.

﴿ ۱۶ ﴾ وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ  
أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ  
اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

و گروهی از آنان، کسانی هستند که (در ظاهر) به تو گوش می‌سپارند، اما همین که از نزد تو بیرون روند، به صاحبان علم و دانش گویند: او هم اکنون چه گفت؟ آنان کسانی هستند که خداوند بر دلهایشان مهر نهاده و از هوای نفسشان پیروی کرده‌اند.

### نکته‌ها:

□ پس از بیان وضعیت مؤمنان و کافران، این آیه به شیوه برخورد منافقان با گفتار پیامبر که برگرفته از وحی آسمان بود اشاره کرده و خطاب به پیامبر می‌فرماید: کافرانی که در ظاهر مسلمان هستند، در مجالس تو شرکت می‌کنند و به قرآن گوش می‌دهند، اما چون به حقانیت تو و کتاب تو ایمان ندارند، قادر به درک و پذیرش آن نیستند و لذا هرگاه به پیروان که نسبت به سخنان تو علم دارند می‌رسند، با تحقیر و تمسخر می‌گویند: این چه سخنانی است که این مرد می‌گوید؟!

اما ای پیامبر! گمان نکنی که سخنان تو قابل درک نیست، بلکه روحیه عناد و لجاجت آنها باعث گردیده که خداوند بر دل آنها مهر نهد و آنان قدرت درک حقیقت را نداشته باشند و فقط تابع هوا و هوس‌های خویش باشند.

□ از این که جمله‌ی «و اتبعوا اهوائهم» پس از عبارت «طبع الله على قلوبهم» آمده است می‌توان استفاده کرد که اگر انسان فهم، بینش و عقل خود را رها کند، تحت فرمان هوا و هوس و شهوت قرار می‌گیرد.<sup>(۱)</sup>

۱. تفسیر هدایت.



## پیام‌ها:

- ۱- حضور هر قشری از مردم حتی کافران و منافقان، نزد پیامبر اسلام ﷺ آزاد بود. ﴿منهم من یستمع الیک﴾
- ۲- شناخت و افشای حرکات مرموز مخالفان، برای مردم لازم است. ﴿و منهم من یستمع الیک...﴾
- ۳- منافقان در فکر تشکیک و تفرقه در میان خواص اهل حق هستند. ﴿یستمع... قالوا للذین اوتوا العلم﴾
- ۴- سؤال، اگر بر اساس تخریب و تضعیف و سست کردن ایمان و یا تحقیر و استهزا باشد، قابل توییح است. ﴿ماذا قال آنفا﴾
- ۵- وحی الهی و سخنان پیامبر ﷺ علمی و عالم‌پرور بود. ﴿اوتوا العلم﴾
- ۶- تشکیک در میان مسلمانان، نوعی تهاجم فرهنگی است. ﴿ماذا قال آنفا﴾
- ۷- انسان، با انگیزه و عمل فاسد و هواپرستی، زمینه مهر شدن دل خود را فراهم می‌کند و قابلیت فهم وحی و معارف الهی را از دست می‌دهد. ﴿اولئك الذین طبع الله﴾
- ۸- به انبوه حاضران و مستمعین مغرور نشویم که چه بسا پذیرای حق نیستند. ﴿و منهم من یستمع الیک... طبع الله علی قلوبهم﴾
- ۹- مسخره نمودن وحی و قرآن، موجب کدورت قلب شده و انسان را از درک حقایق باز می‌دارد. ﴿ماذا قال آنفا... طبع الله علی قلوبهم﴾
- ۱۰- اگر بر دلی مهر خورد، سخنان رسول خدا نیز در او کارساز نخواهد بود. ﴿طبع الله﴾
- ۱۱- قلب و روح آدمی، فطرتاً حق‌پذیر است. عواملی سبب بسته شدن و مهر خوردن بر آن می‌شود. (کلمه «طبع»، معمولاً در مواردی بکار می‌رود که ابتدا راه باز بوده و سپس بسته شده است)
- ۱۲- کسی که برای تضعیف پیامبر اقدام کند، در حقیقت با خدا طرف شده است.

﴿يَسْمَعُ إِلَيْكَ... مَاذَا قَالَ أَنْفًا... طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾

۱۳- هوس‌ها و خواهش‌های بی پایه بشر متعدد است. ﴿اتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾

۱۴- هواپرستی با خداپرستی سازگار نیست. ﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾

### ﴿۱۷﴾ وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ

وکسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند هدایتشان را بیفزاید و روح پرهیزگاری به آنان عطا کند.

#### نکته‌ها:

□ در آیه قبل خواندیم که گروهی با اینکه سخنان حق و آیات قرآن را از پیامبر می‌شنیدند، اما حاضر به پذیرش آن نبودند. این آیه می‌فرماید: گروهی با شنیدن همان آیات و سخنان، رشد یافته و وسعت روحی و معنوی پیدا می‌کنند.

□ عباراتی مانند ﴿زادهم هدی﴾ و ﴿زدنی علماً﴾<sup>(۱)</sup> صرفاً فزونی هدایت یا علم را بیان نمی‌کند، بلکه بیانگر رشد و بالندگی روحی و فزونی ظرفیت آن کسی است که از این هدایت یا علم برخوردار می‌شود.

□ چند چیز باعث ازدیاد هدایت مؤمنان می‌شود:

الف) آیات و معارفی که خداوند نازل می‌کند.

ب) سخنان و حکمت‌های پیامبر.

ج) صبر و تحمل آنان در برابر استهزای منافقان.<sup>(۲)</sup>

#### پیام‌ها:

۱- پذیرش هدایت از طرف انسان، زمینه‌ساز فزونی هدایت از طرف خداوند

است. ﴿اهتدوا زادهم﴾

۲- هدایت، مراحل و مراتبی دارد. ﴿زادهم هدی﴾

۲. تفسیر صافی.

۱. طه، ۱۱۴.

۳- هدایت پذیری، ظرفیت روحی انسان را توسعه می دهد. ﴿زادهم﴾ (و فرمود: ﴿زاد هدایتهم﴾)

۴- یک گام از طرف انسان، چند گام از طرف خدا را به دنبال دارد. ﴿اهدوا﴾ از طرف انسان، ﴿زادهم... و آتاهم﴾ از طرف خدا.

۵- هدایت واقعی آن است که انسان را به تقوا برساند. ﴿اهدوا... آتاهم تقواهم﴾

۶- تقوا، هدیه و پاداش الهی برای هدایت پذیران است. ﴿آتاهم تقواهم﴾

﴿ ۱۸ ﴾ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى

لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ

پس آیا (کفار برای ایمان آوردن) قیامت را انتظار دارند، که ناگهان به سراغشان

آید، در حالی که نشانه‌های آن آمده است؟ پس آنگاه که (رستاخیز) به سراغشان

آید متذکر شدن آنان چه سودی برایشان خواهد داشت؟!

### نکته‌ها:

□ «أشراط» جمع «شَرَط» به معنای نشانه و علامت است و مراد از ﴿فقد جاء اشراطها﴾ در این آیه، بر اساس روایتی از پیامبر ﷺ بعثت آن بزرگوار است.<sup>(۱)</sup> زیرا آخرین رسول و کتاب الهی بر مردم نازل و حجت خداوند بر مردم، کامل گشته است. پس هرگونه گناه، فساد، کفر و انکار، ظهور قیامت را نزدیک می‌سازد.

□ گرچه معمولاً کلمه «الساعة» در مورد قیامت بکار می‌رود ولی مانعی ندارد که مراد، زمان نزول قهر الهی و هلاکت مردم در همین دنیا باشد که مقدمه عذاب قیامت است.

□ ابن عباس نقل می‌کند که رسول اکرم ﷺ در حجة الوداع در حالی که نزدیک‌ترین افراد به آن حضرت، سلمان فارسی بود فرمود: آیا به شما خبر دهم از نشانه‌های قیامت؟ آنگاه فرمود: «اضاعة الصلوات و اتباع الشهوات و الميل الى الاهواء و تعظيم أصحاب المال و

۱. تفسیر مجمع البیان.

بیع الدین بالدنیا»<sup>(۱)</sup> بی توجهی به نماز و پیروی از هوسها و احترام به ثروتمندان و فروختن دین به دنیا.

در برخی روایات، بیش از صد علامت برای نشانه‌های برپایی قیامت برشمرده‌اند.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- کفارِ سنگدل با مشاهده تمام دلایل، باز ایمان نمی‌آورند و منتظر سپری شدن آخرین مهلت‌اند. ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ﴾
- ۲- برپایی قیامت و به هلاکت رسیدن کفار، ناگهانی و غافلگیرانه است. ﴿بَغْتَةً﴾
- ۳- قیامت، نشانه‌ها و مقدماتی دارد. ﴿فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾
- ۴- فکر نکنید که همیشه راه توبه باز است و مجالی برای بازگشت وجود دارد. ﴿فَاتَى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ﴾

﴿۱۹﴾ فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ

الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ

پس بدان که هیچ معبودی جز الله نیست و برای گناه خود و برای مردان و زنان با ایمان استغفار کن و خداوند، رفت و آمد و آرمیدن شما را می‌داند (و به تمام حالات شما آگاه است).

### نکته‌ها:

- «متقلَّب» مصدر میمی به معنای انقلاب و انتقال و جابجایی و «مثنوی» نیز مصدر میمی به معنای محل استقرار و آرامش است.
- در آیه ۵۵ سوره غافر نیز همین جمله «وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ» آمده است که با توجه به اینکه همه انبیا معصوم و به دور از گناه می‌باشند، این استغفار و طلب بخشش، برای یکی از این چند امر است:

۱. تفسیر نورالثقلین. ۲. تفسیر برهان.

الف) استغفار یک عبادت است، گرچه گناهی در کار نباشد.

ب) استغفار از ترک اولی، یعنی کارهایی که گناه نبوده، ولی بهتر بود که شخصی همچون پیامبر انجام نمی‌داد.

ج) برای آنکه استغفار از گناه، برای مردم یک سنت و روش شود.

د) استغفار، سبب علو درجات پیامبر می‌شود.

ه) مراد، استغفار برای گناهایی است که مردم نسبت به پیامبر مرتکب شده‌اند.

و) استغفار همیشه از تقصیر نیست، بلکه گاهی از قصور است. بنده وقتی عزت و عظمت خداوند و حقارت و ذلت خود را می‌بیند، استغفار و طلب بخشش می‌کند.<sup>(۱)</sup>

□ بعضی از مفسران گفته‌اند که «ذنب» همیشه به معنای عیب و گناه نیست، بلکه به معنای «ذنب فعل» و تبعات افعال و رفتار نیز می‌باشد. بنا بر این معنا، «ذنب» پیامبر، همان تبعات دعوت پیامبر به سوی خداوند است که رسیدن بدی و شر از جانب مخالفان است، مانند هتک حرمت، قتل و آزار و اذیت. هرچه دعوت الهی سنگین‌تر باشد، ذنب و تبعات آن نیز مشکل‌تر خواهد بود و استغفار بیشتری را می‌طلبد و استغفار از آن به این معنا است که از خدای متعال بخواهیم ما را از شر مخالفان حفظ کند.<sup>(۲)</sup>

□ در قرآن، از پیامبران دیگر همچون حضرت داود، موسی و ابراهیم علیهم‌السلام نیز استغفار نقل شده است.

□ استغفار بزرگان برای عموم مردم نیز بارها در قرآن مطرح شده است، نظیر استغفار حضرت ابراهیم برای پدر و مادر و مؤمنان<sup>(۳)</sup> و حتی عمویش<sup>(۴)</sup> و استغفار حضرت یعقوب برای فرزندان<sup>(۵)</sup>، استغفار حضرت موسی برای برادرش<sup>(۶)</sup> و استغفار فرشتگان برای مردم<sup>(۷)</sup> و در این آیه استغفار پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای مؤمنان و مؤمنات که این خود نوعی شفاعت است.

۱. تفاسیر مجمع‌البیان، کبیر فخررازی و المیزان.  
 ۲. تفسیر فرقان.  
 ۳. ابراهیم، ۴۱.  
 ۴. شعراء، ۸۶.  
 ۵. یوسف، ۹۸.  
 ۶. اعراف، ۱۵۱.  
 ۷. شوری، ۵ و غافر، ۷.

## پیام‌ها:

- ۱- اکنون که دیدی مؤمنان را پاداش و کافران را کیفر می‌دهیم، پس بدان که همه‌کاره خداست. ﴿فاعلم﴾
- ۲- ایمان و توحید باید آگاهانه باشد. ﴿فاعلم انه لا اله الا الله﴾ (تقلید در اصول عقائد جایز نیست).
- ۳- در نظام الهی، اولیای خداوند واسطه‌های دریافت لطف و مغفرت الهی برای مردم هستند. با اینکه خداوند قادر است بدون دعای پیامبر مردم را ببخشد، اما به آن حضرت فرمان دعا و استغفار می‌دهد. ﴿استغفر... للمؤمنین﴾
- ۴- رهبر باید نسبت به مردم دلسوز باشد. ﴿استغفر... للمؤمنین و المؤمنات﴾
- ۵- زنان و مردان، هر دو مشمول دعای پیامبرند و ملاک دعای پیامبر، مؤمن بودن است نه جنسیت. ﴿للمؤمنین و المؤمنات﴾
- ۶- تنها به استغفار پیامبر تکیه نکنید، بلکه خودتان نیز خدا را حاضر و از گناه در محضر او حیا کنید. ﴿والله يعلم متقلبکم و متواکم﴾
- ۷- اصلاح خود باید قبل از اصلاح دیگران باشد. ﴿و استغفر لذنبک و للمؤمنین...﴾
- ۸- همه‌ی مردم حتی رسولان الهی نیازمند لطف خداوند هستند. ﴿و استغفر لذنبک و للمؤمنین...﴾ (عظمت و بزرگی خالق، ضعف و کوچکی مخلوق و درخواست چشم‌پوشی از کوتاهی‌ها)
- ۹- خداوند، خواهان عفو و بخشش مردم است و لذا به پیامبرش فرمان می‌دهد تا برای مردم استغفار کند و واسطه شود. ﴿و استغفر لذنبک و للمؤمنین...﴾
- ۱۰- احاطه علمی خداوند بر تمام حالات انسان، سبب نگرانی از عقوبت لغزشها و موجب روی آوردن به استغفار می‌شود. ﴿استغفر... الله يعلم متقلبکم و متواکم﴾
- ۱۱- علم خداوند محدودیت ندارد و هیچ چیز از دید او دور نمی‌ماند. (حرکت یا سکون ما برای خدا فرقی ندارد). ﴿يعلم متقلبکم و متواکم﴾

﴿۲۰﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ  
وَدُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ  
نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَىٰ لَهُمْ

و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: چرا سوره‌ای (برای جهاد) نازل نمی‌شود؟  
پس هنگامی که سوره‌ای محکم و روشن نازل می‌گردد که در آن نامی از جنگ  
رفته است، بیمار دلان را می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند مانند نگاه کردن کسی که از  
(سکرات) مرگ بی‌هوش شده است، پس همان مرگ برایشان سزاوارتر است.

#### نکته‌ها:

- واژه «سوره» یک اصطلاح قرآنی است که مجموعه‌ای از آیات در آن جای دارد، نه آنکه  
بعداً وضع کرده باشند. مراد از «سوره محکمه»، سوره‌ای است که آیات آن محکم و روشن  
باشد، نه متشابه و مبهم.
- مراد از کسانی که در قلوبشان مرض است، در این آیه، منافقان نیستند، زیرا منافقان جزو  
مؤمنان نیستند و آیه درباره‌ی مؤمنان است.<sup>(۱)</sup> بنابراین گاهی ایمان وجود دارد ولی قلب از  
سلامت کامل برخوردار نیست.

#### پیام‌ها:

- ۱- گروهی از مؤمنان در انتظار فرمان جهادند و این آمادگی خود را پیوسته به زبان  
می‌آورند. ﴿يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا...﴾
- ۲- مؤمنان، روش زندگی خود را در تمام ابعاد، بر پایه دستورات الهی قرار  
می‌دهند. ﴿يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ﴾
- ۳- فرمان جهاد باید بر اساس وحی و دستورات الهی باشد. ﴿لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ﴾
- ۴- جهاد در جایی است که دلایل لزوم آن، محکم و روشن باشد. ﴿سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ﴾

۱. تفسیر المیزان.

۵- جنگ و جهاد هدف اصلی فرمان‌های الهی نیست، بلکه یکی از احکام است.

﴿ذکر فیها القتال﴾

۶- فرمان جهاد، میدان آزمایش افراد است. ﴿ذکر فیها القتال رایت الذین...﴾

۷- با توجه به نوع نگاه و دید و نظر افراد، می‌توان آنان را ارزیابی کرد. ﴿رایت...﴾

﴿ینظرون الیک﴾

۸- ترس از جهاد، نشانه بیمار دلی است و افراد سست ایمان با فرمان جهاد، مرگ خود را با چشم می‌بینند همان گونه که در حال احتضار، انسان مرگ را می‌بیند.

﴿فی قلوبهم مرض ینظرون الیک نظر المغشی علیہ من الموت﴾

۹- شعار مرگ و مرده باد و تبرّی از دیگران، ریشه قرآنی دارد. ﴿فاولی لهم﴾

﴿۲۱﴾ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ

فرمانبرداری و سخن سنجیده (شایسته و بایسته آنان است) پس هنگامی

که امر (کارزار) قطعی شد (از رفتن به جهاد سر باز می‌زنند) اگر به خدا

راست گویند (و صادقانه جهاد کنند)، قطعاً برایشان بهتر است.

#### نکته‌ها:

□ مراد از «طاعة»، یک پارچه اطاعت کردن است. عبارت «عزم الامر» به معنای پیدا شدن وضعی است که عزم و اراده‌ای نافذ می‌خواهد و بعضی آن را به معنای شدت و سخت شدن جنگ دانسته‌اند.

□ افراد سست ایمان، به دلیل ترس از جهاد، علاوه بر نافرمانی و شانه خالی کردن از جهاد، دست به توجیه و دلیل تراشی و سخنان نامربوط می‌زنند. قرآن در آیات متعدّد به بهانه‌های آنان اشاره کرده است، از جمله این که می‌گفتند:

- طاقت و توان جنگیدن نداریم. ﴿لا طاقت لنا﴾<sup>(۱)</sup>



- خانواده ما امنیت ندارد و خانه‌هایمان بی‌حفاظ و بی‌پوشش است. ﴿بیوتنا عورة﴾<sup>(۱)</sup>
- هوا گرم است. ﴿لاتنفروا فی الحرّ﴾<sup>(۲)</sup>
- اگر شرکت کنیم، مرتکب گناه می‌شویم. در جنگ تبوک بهانه آوردند که نگاه ما به دختران رومی سبب فتنه می‌شود، بنابراین ما به جبهه نمی‌آییم. ﴿و لا تفتنی﴾ اما قرآن همین فرار از جنگ را فتنه دانست. ﴿ألا فی الفتنۃ سقطوا﴾<sup>(۳)</sup>
- اکنون زمان مناسبی برای جنگ نیست، بهتر است به تأخیر افتد. ﴿لولا اخرتنا﴾<sup>(۴)</sup>
- می‌ترسیم گرفتار بلا و ضرر شویم. ﴿نخشی أن تُصیبنا دائرة﴾<sup>(۵)</sup>
- در این آیه می‌فرماید: اگر به هنگام فرمان جهاد، به جای این قبیل بهانه‌ها، اطاعت کنید و سخنی نیک بگویید، بهتر است. ﴿طاعة و قول معروف﴾

## پیام‌ها:

- ۱- مؤمن، در برابر فرمان الهی جهاد، سراپا فرمانبردار است. ﴿طاعة﴾
- ۲- گفتار و کردار، هر دو باید صحیح و بجا باشد. ﴿طاعة و قول معروف﴾
- ۳- در باره فرامین الهی، به نیکی و پسندیده سخن بگویید. ﴿و قول معروف﴾
- ۴- جهاد و دفاع، از نظر عقل و فطرت پسندیده است. ﴿قول معروف﴾
- ۵- ریشه‌ی ترس از جهاد، آن است که صادقانه عمل نمی‌کنیم. ﴿فلو صدقوا الله﴾
- ۶- فرمان خداوند بر جهاد، به نفع انسان است، (نه خدا). ﴿لکان خیراً لهم﴾

﴿ ۲۲ ﴾ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا  
أَرْحَامَكُمْ

پس (ای بیماری‌دلانِ سست ایمان!) اگر (از جهاد) روی گردانید، جز این از شما انتظار نمی‌رود که در زمین فساد کنید و پیوندهای خویشاوندی را قطع کنید.

۳. توبه، ۴۹.

۲. توبه، ۸۱.

۱. احزاب، ۱۳.

۵. مائده، ۵۲.

۴. نساء، ۷۷.

## ﴿۲۳﴾ اُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ

آنانند کسانی که خداوند از رحمت خویش دور و (گوششان را) کر و چشم‌هایشان را کور ساخته است (نه حقی می‌شنوند و نه حقی می‌بینند).

## نکته‌ها:

□ مفسران، «تولّیتم» را دو گونه معنا کرده‌اند:

الف) اعراض و پشت کردن به جبهه و سرگرم شدن به خلافکاری و قطع صله رحم.

ب) ولایت بر مردم را به دست گرفتن و سپس قلع و قمع دیگران.

اما معنای دوم با سیاق آیات سازگار نیست.<sup>(۱)</sup>

□ آیه خطاب به افراد سست ایمان که به خاطر حفظ جان از شرکت در جهاد اعراض می‌کنند، می‌فرماید: گمان نکنید که با ترک جهاد محفوظ می‌مانید، زیرا با فرار خود از جنگ، زمینه گسترش فساد و قتل را فراهم می‌سازید که دامان شما را نیز می‌گیرد و همچون دوران جاهلیت، حتی کشتن فرزند را برای شما مباح می‌سازد.

## پیام‌ها:

- ۱- اعراض از دین و دستورات قرآن، زمینه ساز فساد و تباهی است. ﴿إِن تَوَلَّيْتُمْ... تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ...﴾
- ۲- ترک صله رحم و روابط خویشاوندی، گناهی است در ردیف فساد در زمین. ﴿تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾
- ۳- اگر فساد گسترش یابد، انسان حتی به بستگان خود نیز رحم نمی‌کند. ﴿تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾
- ۴- فراریان از جنگ، فسادگران و قاطعان رحم، مورد نفرین خداوند هستند. ﴿تَوَلَّيْتُمْ... تَفْسُدُوا... تَقَطَّعُوا... اُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ﴾

۱. تفسیر المیزان.

۵ - محرومیت از رحمت الهی، نتیجه عملکرد خود ماست. ﴿تفسدوا... تقطعوا... لعنهم الله﴾

۶ - بهره نگرستن از امکانات، همانند محرومیت از آنها است. (گوش دارد ولی حق شنو نیست، چشم دارد ولی حقیقت بین نیست) ﴿لعنهم الله فاصمهم...﴾  
 ۷ - بزرگ‌ترین محرومیت معنوی، محرومیت از شناخت حقیقت است. ﴿لعنهم الله فاصمهم و اعمی ابصارهم﴾

۸ - استفاده نامشروع و نامتعارف و غیر مفید از استعدادهای خدادادی، نشانه‌ی دور شدن از رحمت الهی است. ﴿لعنهم الله فاصمهم و اعمی ابصارهم﴾

### ﴿۲۴﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

آیا در قرآن تدبّر و تأمل نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل‌ها خورده است.

#### نکته‌ها:

□ این آیه، در ادامه آیه قبل، تدبّر نکردن در قرآن را ناشی از کوری و کوری نسبت به حقایق می‌داند که در اثر لعنت الهی، انسان به آن گرفتار گردد.

□ در سوره «ص» آیه ۲۹ نیز به مسئله تدبّر در قرآن سفارش شده است. ﴿كتاب انزلناه اليك مبارك ليدبروا آياته و ليتذكروا اولوا الالباب﴾ قرآن کتاب مبارکی است که ما آن را به سوی تو نازل کردیم تا در آیاتش تدبّر شود و خردمندان پند گیرند.

#### پیام‌ها:

- ۱- قرآن، تنها برای تلاوت و رعایت تجوید نیست، کتاب اندیشه و تدبّر است و تلاوت باید مقدمه تدبّر گردد. ﴿أفلا يتدبرون القرآن﴾
- ۲- همه مأمور به تدبّر در قرآن هستند و تدبّر، اختصاص به گروه خاصی ندارد. ﴿أفلا يتدبرون القرآن﴾
- ۳- کسانی که تدبّر در قرآن را رها کرده و با قرآن برخوردی سطحی دارند، مورد توبیخ خداوند قرار می‌گیرند. ﴿أم على قلوب أقفالها﴾

- ۴- شرط بهره‌وری از مفاهیم عالی وحی و قرآن، سعه صدر و داشتن قلبی باز و سالم و تدبیر در آن است. ﴿... أم على قلوب أقبالها﴾  
 ۵- یکی از راههای شناخت، راه دل و قلب است. ﴿أم على قلوب أقبالها﴾  
 ۶- نشانه عقل و قلب سالم، تدبیر در آیات قرآن است. (کل آیه)

﴿۲۵﴾ إِنَّ الَّذِينَ أُرْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ  
 الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ

همانا کسانی که پس از آن که راه هدایت برایشان روشن شد به آن پشت کردند، شیطان (رفتار بدشان را) برایشان آراسته و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است.

### نکته‌ها:

- «سَوَّلَ لَهُمْ» یا به معنای زیباسازی زشتی‌ها و وارونه نمایاندن واقعیات است و یا به معنای «تسهیل» و آسان سازی است، یعنی شیطان راه انحراف را برای انسان آسان جلوه می‌دهد.
  - «أَمْلَىٰ» یا به معنای مهلت دادن و یا به معنای امداد و یاری رساندن است.
  - کارهای سراسر شرّ شیطان در قرآن عبارتند از: وسوسه<sup>(۱)</sup>، امر به فحشا و زشتی‌ها<sup>(۲)</sup>، زینت دادن کارهای زشت<sup>(۳)</sup>، ایجاد ترس و وحشت<sup>(۴)</sup> و دشمنی<sup>(۵)</sup>، وعده فقر و تهیدستی<sup>(۶)</sup>، بد قولی و خلف وعده<sup>(۷)</sup>، اسراف<sup>(۸)</sup> و بازداشتن از یاد خدا<sup>(۹)</sup>، اختلاف و تفرقه<sup>(۱۰)</sup>، تمرد و نافرمانی<sup>(۱۱)</sup>، ایجاد شک و تردید<sup>(۱۲)</sup>، شرک و انحراف<sup>(۱۳)</sup> و آرزوهای طولانی و دراز<sup>(۱۴)</sup>.
- البته قرآن راه درمان و فرار انسان از شیطان را در دو چیز معرفی می‌کند: یکی آن که به دید

- |                         |               |                           |
|-------------------------|---------------|---------------------------|
| ۱. ناس، ۴ و ۵.          | ۲. نور، ۲۱.   | ۳. انفال، ۴۸ و انعام، ۴۳. |
| ۴. آل عمران، ۱۷۵.       | ۵. مائده، ۹۱. | ۶. بقره، ۲۶۸.             |
| ۷. ابراهیم، ۲۷.         | ۸. اسراء، ۲۷. | ۹. نساء، ۶۰.              |
| ۱۰. اسراء، ۵۳ و طه، ۲۰. | ۱۱. مریم، ۴۴. | ۱۲. حج، ۳.                |
| ۱۳. نمل، ۲۴؛ قصص، ۱۵.   |               | ۱۴. محمد، ۲۵.             |

دشمن به او بنگرد، ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخَذُوهُ عَدُوًّا﴾<sup>(۱)</sup> دیگر آن که در برابر شرور شیطان، به خداوند پناه ببرد. ﴿وَإِنَّمَا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغًا فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ﴾<sup>(۲)</sup> و گرنه شیطان خارجی، ﴿الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ﴾ و شیطان درونی، ﴿وَكَذَلِكَ سَوَّلَ لِي نَفْسِي﴾<sup>(۳)</sup> انسان را به هلاکت و نابودی می‌رسانند.

### پیام‌ها:

- ۱- توجّه و گوش سپردن به وسوسه‌های شیطان، از آفات ایمان است و سرانجامی جز ارتداد و بد عاقبت شدن ندارد. ﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا﴾
- ۲- ارتداد و بازگشت از حق بعد از روشن شدن آن، عملی ارتجاعی و قابل سرزنش است. ﴿ارْتَدُّوا عَلَيَّ ادْبَارَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ...﴾
- ۳- راه حق، روشن و واضح است و آگاهی و درک آن مسئولیت آور. ﴿مَنْ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى﴾
- ۴- اگر با جلوه‌ها و وسوسه‌ها به جدّیت مبارزه نکنیم، آگاهی و علم به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد. ﴿تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ﴾
- ۵- زیبا جلوه دادن بدی‌ها و آرزوهای طولانی، ابزار کار شیطان است. (هر کس زشتی‌ها را زیبا جلوه دهد، شیطان صفت است) ﴿الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ﴾

﴿۲۶﴾ ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنَطِيعُكُمْ فِي

بَعْضِ الْأُمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ

این، به خاطر آن است که (بیماردلان مرتد) به کسانی که از دستورات الهی ناخشنود بودند، گفتند: ما در بعضی امور از شما اطاعت خواهیم کرد، در حالی که خداوند پنهان کاری آنان را می‌داند.

۱. فاطر، ۶.

۲. اعراف، ۲۰۰.

۳. طه، ۹۶.

## نکته‌ها:

- منافق، برای حفظ خود به دنبال افراد مخالف می‌گردد و اگر در تمام جهات با او قدر مشترک نداشت، به همان مقدار که وجوه مشترک دارند، همکاری و بلکه اطاعت می‌کند. منافقان مدینه نیز با یهودیان مخالف پیامبر، چنین برخوردی داشتند.<sup>(۱)</sup>
- شاید مراد از «لَّذِینَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ» کافرانی باشند که در اوایل سوره نامشان برده شد و فرمود: «الَّذِینَ كَفَرُوا... كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ»<sup>(۲)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- افراد ناراضی، آسیب‌پذیر و در تیررس توطئه‌های مخالفان هستند. «قَالُوا لَلَّذِینَ كَرِهُوا... سَنُطِيعُكُمْ»
- ۲- افراد منافق به کسانی که از احکام الهی ناراحت و ناراضی هستند، وعده پشتیبانی و حمایت و حتی اطاعت می‌دهند. «سَنُطِيعُكُمْ فِی بَعْضِ الْاَمْرِ»
- ۳- منافقان با کفار و دشمنان اسلام همدست می‌باشند. «سَنُطِيعُكُمْ فِی بَعْضِ الْاَمْرِ»
- ۴- نشانه‌ی ارتداد، همدلی با ناراضیان و کفار است. «ارْتَدُّوا... سَنُطِيعُكُمْ»
- ۵- پیروی از منحرفان حتی در بعضی امور، قابل سرزنش و توبیخ است. «سَنُطِيعُكُمْ فِی بَعْضِ الْاَمْرِ»
- ۶- بعضی برای حفظ مصالح و منافع خود، منافقانه عمل می‌کنند. در برخی امور، همراه مؤمنان و در برخی همراه کافران می‌شوند که مورد سرزنش‌اند. (گاهی به نعل و گاهی به میخ می‌زنند) «سَنُطِيعُكُمْ فِی بَعْضِ الْاَمْرِ»
- ۷- قرارهای منافقان و ناراضیان علنی نیست، بلکه نامحسوس و مخفیانه است. «وَاللَّهُ یَعْلَمُ اسْرَارَهُمْ»
- ۸- منافقان به هوش آیند که خداوند از کارهای مخفی آنان آگاه است و ممکن است هر لحظه آنان را رسوا کند. «وَاللَّهُ یَعْلَمُ اسْرَارَهُمْ»

۲. تفسیر المیزان.

۱. تفسیر نمونه.

۹- اگر انسان باور داشته باشد که خداوند تمام کارهای مخفی و اسرار او را می‌داند، توطئه‌چینی را کنار گذاشته و با مردم شفاف برخورد می‌کند. ﴿والله يعلم اسرارهم﴾

﴿۲۷﴾ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ

پس (حال آنان) چگونه خواهد بود، آنگاه که فرشتگان جانشان را بازگیرند، در حالی که به صورت و پشت آنان می‌کوبند.

﴿۲۸﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ

این (نوع جان گرفتن) به خاطر آن است که آنان از آنچه خداوند را به خشم می‌آورد، پیروی کرده و خشنودی خدا را خوش نداشتند، پس خداوند نیز اعمالشان را تباہ کرد.

### نکته‌ها:

- «توفی» به معنای بازگرفتن کامل چیزی است که به انسان داده‌اند. این واژه در قرآن، در مورد مرگ به کار می‌رود، زیرا مرگ در حقیقت، بازگرفتن روح خدا دادی از جسم است.
- در آیه ۵۰ سوره انفال نیز، مشابه این آیه برای چگونگی جان دادن کفار آمده است.
- شاید عذاب مرتدان از ناحیه صورت: ﴿یضربون وجوههم﴾، تجسم اقبال و رو آوردن به سخط الهی است ﴿اتبعوا ما اسخط الله﴾ و عذاب از ناحیه پشت: ﴿ادبارهم﴾، تجسم ادبار، پشت کردن و ناپسند شمردن رضوان الهی است. ﴿وکرهوا رضوانه﴾

### پیام‌ها:

- ۱- آنان که دیگران را در برابر حق به مقاومت دعوت می‌کنند، با ذلت و عذاب جان خواهند داد. ﴿فکیف اذا توفتھم...﴾
- ۲- مرگ، نابودی نیست، بلکه گرفتن کامل روح و جان توسط فرشتگان است. ﴿توفتھم﴾

- ۳- کیفر منافقان مرتد، از لحظه جان دادن آغاز می شود. ﴿تَوَقَّتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ﴾  
 ۴- توجّه به عمر محدود دنیا و خط پایانی توطئه ها و گرفتار شدن به عذاب، می تواند انسان را از توطئه بازدارد. ﴿فَكَيْفَ إِذَا تَوَقَّتْهُمْ... يَضْرِبُونَ...﴾  
 ۵- دشمنی با وحی و قرآن، موجب خشم خداوند و بطلان اعمال انسان می شود. ﴿ذَلِكَ... فَاحْبِطْ أَعْمَالَهُمْ﴾  
 ۶- گرچه کافران در انتخاب راه و روش خود مختارند، ﴿اتَّبِعُوا، كَرِهُوا﴾ اما چاره ای جز پذیرش آثار و پیامدهای آن ندارند. ﴿فَاحْبِطْ أَعْمَالَهُمْ﴾  
 ۷- گاهی انسان نیکی ها و آنچه را کاشته است، خود به آتش کشیده و نابود می کند. ﴿اتَّبِعُوا... كَرِهُوا... فَاحْبِطْ أَعْمَالَهُمْ﴾  
 ۸- حرکت در مسیری که رضای الهی در آن نیست، بیهوده گرایی و قابل توبیخ است. ﴿اتَّبِعُوا... كَرِهُوا... فَاحْبِطْ أَعْمَالَهُمْ﴾

﴿ ۲۹ ﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ

آیا کسانی که در دل هایشان بیماری (نفاق و کفر) است، پنداشته اند که خداوند هیچ وقت کینه ها و حسادتشان را آشکار نخواهد کرد؟

﴿ ۳۰ ﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ

الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ

و اگر بخواهیم آنان را به تو می نمایانیم، آنگاه ایشان را به سیمایشان می شناسی و در شیوه و آهنگ کلامشان نیز آنان را خواهی شناخت و خداوند (ظاهر و باطن) کارهایتان را می داند.

**نکته ها:**

□ «ضغن» به معنای کینه شدید است.

□ حضرت علی علیه السلام می فرماید: هر کس چیزی را به راز در دل نگه دارد، در لابلای سخنان و



در چهره‌اش نمایان می‌شود.<sup>(۱)</sup>

□ هنگامی که رسول خدا ﷺ در غدیر خم، حضرت علی ع را به جانشینی خود منصوب کرد، بعضی گفتند: محمّد در بالا بردن بازوی پسر عمویش (از تعصّب فامیلی و فامیل مداری) کوتاهی نمی‌کند. آنگاه این آیات نازل شد.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- سوء استفاده از ستّاریت خداوند عملی منافقانه و بیمار دلی است. ﴿أَمْ حَسِبَ﴾
- ۲- رسوایی گنهکاران مخصوص قیامت نیست، بلکه در دنیا نیز امکان رسوایی هست. ﴿أَمْ... ان لَنْ يَخْرُجَ اللَّهُ اضْغَانَهُمْ﴾
- ۳- با افشاگری، منافقان را رسوا و خواب خوش را از آنان بگیریم. ﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَارِينَاكَهْم...﴾
- ۴- حسادت و کینه، از عوامل بروز بیماری نفاق و دورویی است. ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ... اضْغَانَهُمْ﴾
- ۵- خلق و خوی درونی انسان، در قیافه و چهره تأثیر گذار است و سیمای انسان تا حدود زیادی بیانگر سیرت اوست. ﴿فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ﴾
- ۶- نه فقط اصل سخن، بلکه لحن سخن نیز باید مؤدّبانه باشد. بی ادبی منافقان در سخن گفتن، نفاق درونی آنان را آشکار می‌سازد. ﴿لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ﴾

﴿۳۱﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ  
أَخْبَارَكُمْ

ما قطعاً شما را می‌آزماییم تا از میان شما مجاهدان و صابران را نشان دهیم و اخبار (و اعمالتان) را آزمایش خواهیم کرد.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۶.

۲. تفسیر برهان.

## نکته‌ها:

- «ابتلاء»، گاهی به معنای آزمایش افراد برای کشف حقیقت است، مانند: ﴿اذ ابتلی ابراهیم ربّه﴾<sup>(۱)</sup> و گاهی به معنای ایجاد زمینه‌های مختلف برای بروز حالات درونی است، مانند این آیه.<sup>(۲)</sup> ﴿تَبَلَّوْا اٰخِبَارِكُمْ﴾
- جمله «حتیٰ نعلم» به معنای «معلوم داریم» از ماده «عَلِمَ» به معنای نشانه و علامت است نه از ماده «عِلِم» در برابر جهل. یعنی آزمایش الهی، علامت شناسایی آنان است.
- در آیه قبل خواندیم که خداوند عملکرد ما را می‌داند، ﴿وَاللّٰهُ یَعْلَمُ اَعْمَالِكُمْ﴾ و برای علم و آگاهی خود نیاز به آزمایش ندارد. بنابراین آزمایش برای آن است که مردم کاری انجام دهند و بر اساس آن استحقاق پاداش یا کیفر را پیدا نمایند. همان گونه که ما شغل افراد را می‌دانیم، ولی بر اساس دانستن شغل به آنان مزد نمی‌دهیم، بلکه باید از آنان کاری انجام پذیرد تا استحقاق دریافت مزد را داشته باشند.
- تفکیک انسان‌ها از یکدیگر مراحل دارد: در مرحله اول، انسان‌ها با کفر و ایمان جداسازی می‌شود و در مرحله دوم، اهل ایمان با جهاد و فرار از جهاد تفکیک می‌یابند و در مرحله سوم، جهادگران با صبر و مقاومت بیشتر. بنابراین آزمایش‌های الهی یکی پس از دیگری ادامه دارد.
- از آیه ۱۶ تا اینجا، بارها سخن از منافقان و بیماردلان به میان آمد و سیمایی از آنان ترسیم شد که به جمع بندی آن اشاره می‌کنیم:
۱. تحقیر گفته‌های پیامبر. ﴿مَاذَا قَالْ اَنفَا﴾ (آیه ۱۶)
  ۲. ترس از فرمان جهاد. ﴿ذَکَر فِیْهَا الْقِتَال رَاٰیْت اَلَّذِیْنَ فِیْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ یَنْظُرُوْنَ اِلَیْکَ نَظْرَ الْمَغْشٰی عَلَیْهِ﴾ (آیه ۲۰)
  ۳. فساد در زمین و قطع رحم. ﴿تَفْسَدُوْا فِی الْاَرْض وَ تَقَطَّعُوْا اَرْحَامِکُمْ﴾ (آیه ۲۲)
  ۴. ارتداد و برگشت از حق. ﴿اِرْتَدُّوْا عَلٰی اَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْد مَا تَبٰیَّنَ﴾ (آیه ۲۵)

۱. بقره، ۱۲۴.

۲. مفردات راغب.

۵. به وعده‌های شیطان فریفته می‌شوند. ﴿الشیطان سؤل لهم و املی لهم﴾ (آیه ۲۵)  
 ۶. توطئه‌گری و اعلام همکاری با سایر مخالفان. ﴿سنطیعکم فی بعض الامر﴾ (آیه ۲۶)  
 ۷. پیروی از کارهایی که سبب خشم الهی است. ﴿اتبعوا ما اسخط الله﴾ (آیه ۲۸)  
 ۸. ناخشنودی از کارهایی که سبب رضای الهی است. ﴿کرهوا رضوانه﴾ (آیه ۲۸)  
 ۹. کینه توزی. ﴿ام حسب الذین فی قلوبهم مرض ان لن یخرج الله اضغانهم﴾ (آیه ۲۹)  
 در برابر این همه خیانت، خداوند نیز آنان را با مهر زدن بر دلها، لعنت و دوری از رحمت خویش، عذاب و ضربه به صورت و پشت هنگام جان دادن و تباہ و حبط شدن اعمالشان تهدید می‌نماید.

### پیام‌ها:

- ۱- آزمایش مردم، امری حتمی و همگانی و یکی از سنت‌های الهی است. ﴿و لنبلوکم﴾ (حرف لام و نون تأکید، نشانه قطعی بودن آن است)
- ۲- یکی از بسترهای آزمایش و شناسایی انسان‌ها، میدان جنگ است. منافقان در جبهه رسوا می‌شوند. ﴿حتی نعلم المجاهدین منکم﴾
- ۳- در جهاد، صبر و استقامت نقش بسیار مهمی دارد. ﴿المجاهدین منکم والصابرین﴾
- ۴- ادعاهای و سخنان انسان، در صحنه عمل مورد آزمون الهی قرار می‌گیرند. ﴿نبلوا اخبارکم﴾
- ۵ - معیار ارزیابی الهی، موفقیت در آزمون‌های عملی است. ﴿نبلوا اخبارکم﴾

﴿۳۲﴾ **اِنَّ الَّذِیْنَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِیْلِ اللّٰهِ وَشَاقُّوا الرَّسُوْلَ مِنْ بَعْدِ**

**مَا تَبِیَّنَ لَهُمُ الْهُدٰی لَنْ یَضُرُّوْا اللّٰهَ شَیْئًا وَ سَیَحْبِطُ اَعْمَالُهُمْ**

همانا کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند و بعد از آنکه برایشان راه هدایت روشن شد، با پیامبر مخالفت کردند، هرگز به خداوند گزند نرسانند و زود باشد که خداوند اعمالشان را تباہ سازد.

## نکته‌ها:

□ بازداشتن مردم از راه خدا، در قالب‌های متعددی می‌تواند صورت گیرد از جمله: تحریف قانون الهی، بدعت‌گذاری در دین، ایجاد شک در باورهای مردم، (نظیر ﴿تَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحاً مُرْسَلٌ﴾<sup>(۱)</sup>، از کجا می‌دانید که صالح پیامبر است؟)، تضعیف رهبران الهی (نظیر گفتن شاعر، کاهن، ساحر و مجنون به پیامبران)، تهدید مردم برای جلوگیری از ایمان آوردن، سرگرم کردن مردم به مسائل لغو و غیر ضروری، ایجاد جنگ و جدال، وضع قوانین دست و پاگیر برای جلوگیری از کارهای الهی، در رأس قرار گرفتن ناهلان در امور دینی و ایجاد شایعه برای افراد لایق.

□ انسان گاهی به جای حق‌پذیری و اقدام در مسیر رشد و کمال خود، با حق به ستیز برخاسته و خود را به صورت بدترین عنصر در می‌آورد:

- با خدا، دشمنی و لجاجت می‌کند. ﴿كُفِرُوا... بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ﴾
- با پیامبر، مخالفت و سرسختی دارد. ﴿شَاقُّوا الرَّسُولَ﴾
- با مردم، دشمنی کرده و مانع حق‌پذیری آنان می‌شود. ﴿صَدُّوا عَن...﴾
- با خود دشمنی کرده و باعث نابوی و هلاکت خویش می‌شود. ﴿سَيَحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ﴾

## پیام‌ها:

- ۱- کفر، سرچشمه‌ی ظلم به خود، جامعه و پیامبران است. ﴿كُفِرُوا... صَدُّوا... شَاقُّوا الرَّسُولَ﴾
- ۲- خداوند با ارائه راههای هدایت و کمال، با مردم اتمام حجت می‌کند. ﴿تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى﴾ (شناخت حق، تکلیف و مسئولیت انسان را بیشتر می‌کند)
- ۳- کفر و تلاش منحرفان هیچ‌گونه لطمه‌ای به خداوند نمی‌زند. ﴿لَنْ يَضُرَّوْا اللَّهَ﴾
- ۴- عناد و لجاجت بعد از آگاه شدن، سبب تباه شدن اعمال است. ﴿سَيَحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ﴾

﴿۳۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا  
أَعْمَالَكُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول (نیز) پیروی  
نمایید و کارهایتان را باطل نسازید.

### نکته‌ها:

- در آیات و روایات، برخی اعمال و گفتارها سبب بطلان اعمال معزّفی شده‌اند، از جمله:
۱. مَتَّ گزاشتن و آزار دادن نیازمندان، که پاداش انفاق را محو می‌کند. ﴿لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾<sup>(۱)</sup>
  ۲. بی‌ادبی نسبت به رهبران الهی، ﴿لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ أَنْ تَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ﴾<sup>(۲)</sup> صدای خود را بر صدای پیامبر برتر قرار ندهید تا کارهایتان تباه نشود.
  ۳. عَجَب و حسد. «الهی عبّدتنی لك و لا تفسد عبادتی بالعجب»<sup>(۳)</sup> چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «انّ الحسد یأکل الایمان کما تأکل الثّار الحطب»<sup>(۴)</sup> حسد نیکی‌ها را نابود می‌کند همان گونه که آتش هیزم را می‌سوزاند.
  ۴. شرک به خدا. ﴿لئن أشركت لیحبطنّ عملک﴾<sup>(۵)</sup> اگر شرک ورزی قطعاً عمل تو را تباه می‌کند.
  ۵. ریا که گونه‌ای از شرک است. ﴿الذین ینفقون أموالهم رياء الناس...﴾<sup>(۶)</sup>
- در حدیث می‌خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرکس یک «سبحان الله» بگوید، درختی در بهشت برای او کاشته می‌شود. شخصی گفت: پس ما (که همواره به این ذکر مشغولیم) درختان بسیار زیادی در آنجا داریم! حضرت آیه فوق را تلاوت کرده و فرمودند: مواظب باشید آتشی پس از آن نفرستید تا آنها را بسوزاند.<sup>(۷)</sup>

۱. بقره، ۲۶۴. ۲. حجرات، ۲. ۳. دعای مکارم الاخلاق.  
۴. کافی، ج ۲، ص ۳۰۶. ۵. زمر، ۶۵. ۶. نساء، ۳۸.  
۷. تفسیر نورالثقلین.

□ در مورد معنای عبارت «لا تبطلوا أعمالکم» با توجه به صدر آیه، سه وجه می‌توان ذکر کرد:  
 الف) ایمان خود را حفظ کنید و مشرک نشوید که اعمالتان باطل می‌شود. زیرا شرک اعمال را تباه می‌کند. ﴿لئن أشركت لیحبطنّ عملک﴾<sup>(۱)</sup>  
 ب) با ترک اطاعت از رسول خدا، اعمالتان را تباه نسازید.  
 ج) با منت گذاشتن به پیامبر، اعمال خود را تباه نکنید. چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿یمتّون علیک أن اسلموا قل لا تمّتوا علیّ اسلامکم﴾<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- گرچه مخاطب قرآن، مؤمنان هستند، اما ذکر این عنوان در آغاز برخی آیات، بیانگر شخصیت دادن و تکریم آنان است. ﴿یا ایها الذّین آمنوا أطیعوا الله...﴾
- ۲- اولویّت‌ها و سلسله مراتب را مراعات کنیم. در اینجا نام خداوند قبل از پیامبر آمده است. ﴿أطیعوا الله و أطیعوا الرسول﴾
- ۳- لازمه‌ی ایمان، تسلیم بودن و اطاعت از فرامین خدا و رسول است. ﴿یا ایها الذّین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول﴾
- ۴- دستورات دین، دو نوع است: دستورات ثابت که از طرف خداوند است. ﴿أطیعوا الله﴾ و دستورات متغیّر که به مقتضای ضرورت‌ها و نیازها از طرف حاکم اسلامی صادر می‌شود. ﴿أطیعوا الرّسول﴾
- ۵ - پیامبر اسلام ﷺ معصوم است. فرمان اطاعت از پیامبر بدون هیچ قید و شرطی، نشانه عصمت او و واجب‌الاتباع بودن اوست. ﴿أطیعوا الرسول﴾
- ۶- مؤمنان، به ایمان خود مغرور نشوند که اعمالشان در معرض خطر است. ﴿الذّین آمنوا... لا تبطلوا أعمالکم﴾

﴿۳۴﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ  
يَعْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

همانا کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، سپس در حال کفر از دنیا رفتند، پس خداوند هرگز آنان را نخواهد بخشید.

### نکته‌ها:

- این آیه در میان دو آیه قرار گرفته که خطاب به مؤمنان است و لذا خطر ارتداد مؤمنان را که به کفر آنان بیانجامد گوشزد می‌کند. خطری که بسیار بدفرجام است.
- با اینکه خداوند همه گناهان را می‌بخشد، ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذَّنُوبَ جَمِيعاً﴾<sup>(۱)</sup> و راه توبه برای همه و همیشه و نسبت به هر گناه تا لحظه مرگ باز است، اما آنان که در حال کفر از دنیا بروند و یا مرتد شده و باز نگردند و یا منافقان، مشمول مغفرت نمی‌گردند. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾<sup>(۲)</sup>، ﴿فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾

### پیام‌ها:

- ۱- کفر، مایه‌ی بطلان اعمال گذشته انسان در دوره ایمان می‌گردد. ﴿لَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ... الَّذِينَ كَفَرُوا﴾
- ۲- هنگام مردن مهم این است که انسان مؤمن بمیرد یا کافر. ﴿كُفِّرُوا... مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ﴾
- ۳- کفر و عناد، عامل بازداشتن دیگران از نیکی‌ها و خوبی‌ها می‌گردد. ﴿كُفِّرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾
- ۴- آمرزش الهی تا قبل از دیدن علائم مرگ امکان‌پذیر است. ﴿مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾

## ﴿ ۳۵ ﴾ فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ

پس سستی نورزید، تا به سازش دعوت کنید، با اینکه شما برترید و خداوند با شماست و هرگز چیزی از (پاداش) اعمالتان را کم نمی‌کند.

### نکته‌ها:

- جمله «يَتَرَكُمُ» از «وتر» به معنای نقصان و کاهش است.
- سؤال: قرآن در یک جا می‌فرماید: ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ﴾<sup>(۱)</sup> اگر دشمن آغوش خود را برای صلح باز کرد، شما نیز بال خود را بگشایید و پیشنهاد صلح را بپذیرید، اما این آیه از صلح انتقاد کرده و می‌فرماید: ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ﴾ پس تکلیف چیست و باید به کدام آیه عمل کرد؟
- پاسخ: هر آیه نظر به یک جنبه‌ای دارد، سازش بر اساس ترس و سستی و رعب زدگی ناپسند است، زیرا آرزو و علاقه دشمنان همین است، ﴿وَدُّوا لَوْ تَدَّهَنَ فَيُدْهِنُونَ﴾<sup>(۲)</sup> اما مدارا که از موضع قدرت و ترحم بر ضعیف است، پسندیده می‌باشد. چنانکه آهسته رفتن گاهی بر اساس ضعف جسمی است و گاهی برای همراهی با کودکان و سالمندان که توان تند رفتن ندارند. اسلام می‌فرماید: شما از نظر روحیه، قدرت و امکانات باید در مرحله عالی باشید و در آن حال اگر دشمن تقاضای صلح کرد بپذیرید.
- مراد از معیت و همراهی خداوند با مؤمنان ﴿وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾، معیت عمومی خداوند، که فرموده است: ﴿هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾<sup>(۳)</sup> نیست، بلکه معیت خاص است که در اینجا به معنای عزت و نصرت و هدایت ویژه الهی نسبت به مجاهدان راه اوست.<sup>(۴)</sup> چنانکه در آیات دیگر نیز به این همراهی خاص اشاره شده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>(۵)</sup>
- هنگامی که خداوند متعال خطاب به مؤمنان فرمود: ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾ امکان داشت که

۳. حدید، ۴.

۲. قلم، ۹.

۱. انفال، ۶۱.

۵. عنکبوت، ۶۹.

۴. تفسیر فرقان.



برخی مؤمنان با دیدن کمی نفرات خودی و کثرت نفرات و تجهیزات و قدرت دشمن دچار تردید و دودلی شوند، لذا خداوند بلافاصله فرمود: ﴿وَاللّٰهُ مَعَكُمْ﴾<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- مؤمن، نباید به خود سستی راه دهد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... فَلَاتَهِنُوا﴾
- ۲- صلابت و استحکام جبهه داخلی، شرط اساسی پیروزی است. ﴿فَلَاتَهِنُوا...﴾
- ۳- پیشنهاد صلح و سازش، از جانب جبهه ایمان مطرح نمی‌گردد. ﴿فَلَاتَهِنُوا و تدعوا الى السلم﴾ (ولی اگر دشمنان پیشنهاد دادند و به مصلحت بود پذیرفته می‌شود. ﴿و ان جنحوا للسلم فاجنح لها﴾)
- ۴- به مسلمانان روحیه بدهید و ارزش آنان را به خودشان تذکر دهید. ﴿و اُنتم الاعلون واللّٰهُ مَعَكُمْ﴾

- ۵- امدادهای الهی همواره با مؤمنان مجاهد است. ﴿وَاللّٰهُ مَعَكُمْ﴾
- ۶- خداوند، پاداش مجاهدان را تضمین نموده است. ﴿و لن يترکم اعمالکم﴾

﴿۳۶﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْئَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ

زندگی دنیوی، تنها بازیچه و سرگرمی است و اگر ایمان آورید و پروا پیشه کنید، خداوند به شما پاداش می‌دهد و همه اموالتان را نمی‌خواهد.

### نکته‌ها:

- «لَعِبٌ» کاری است که انگیزه واهی دارد و «لَهُوَ» کاری است که انگیزه عاقلانه ندارد.
- در آیه قبل، از سستی و سازش با کفار نهی شد، این آیه گویا به عامل مهم سستی که علاقه به دنیا است اشاره می‌کند و می‌فرماید: دنیا شما را نفریبید.
- یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ در نزد پدر، فرزندی عزیز؛ در دید برادران، رقیب؛ در دید کاروانیان که او را از چاه

۱. تفسیر کبیر فخر رازی.

بیرون آوردند، برده؛ در دید زلیخا، معشوق و در دید زندانیان خوابگذار است. دنیا نیز در دید اکثر مردم، وسیله‌ی سرگرمی و کامیابی است، ولی در نگاه مؤمنان؛ کلاس خدانشناسی و همه چیز آن آیات الهی و بازار تجارت عمل صالح و مزرعه آخرت و کسب فضیلت است.

□ آفرینش الهی بر اساس لهو و لعب نیست، «و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لاعیین»<sup>(۱)</sup> بلکه این انسان است که به خاطر عدم استفاده صحیح، آن را لهو و لعب و وسیله زینت و تفاخر و تکاثر قرار می‌دهد.

### پیام‌ها:

- ۱- دلدادگی به دنیا و دنیاطلبی، از عوامل اساسی سستی و ضعف مؤمنان است.  
﴿لاتهنوا... انما الحیاة الدنیا﴾
- ۲- دنیا منهای ایمان و تقوا، بازیچه است. ﴿لعب و لهو و ان تؤمنوا و تتقوا﴾
- ۳- تقوا از آثار ایمان و مرحله‌ای بالاتر است. ﴿تؤمنوا و تتقوا﴾
- ۴- ایمان و تقوا دو عاملی است که دنیای انسان را از پوچی خارج می‌کند. ﴿لعب و لهو و ان تؤمنوا و تتقوا یؤتکم اجرکم﴾
- ۵- ایمان و تقوا، منافاتی با داشتن ثروت ندارد. ﴿تؤمنوا و تتقوا... لایسئلكم اموالکم﴾
- ۶- فرمان انفاق، اطعام، زکات، خمس و صدقه، برای رشد ماست، نه پرداخت مزد هدایت. ﴿لایسئلكم اموالکم﴾

### ﴿۳۷﴾ اِنْ یَسْئَلْکُمْ وَهَا فِیْحِفْکُمْ تَبْخُلُوْا و یُخْرِجْ اَضْغَانْکُمْ

اگر خداوند همه اموالتان را بخواهد و به آن اصرار ورزد، بخل می‌ورزید و (به سبب همین بخل،) کینه‌های شما را آشکار می‌سازد.

### نکته‌ها:

□ «یحفکم» از «احفاء» به معنای اصرار در مطالبه و سؤال است و «أضغان» جمع «ضغن» به

معنای کینه شدید است.

□ دل‌بستگی برخی انسان‌ها به مال دنیا به قدری است که حتی اگر خداوند هم از آنان چیزی را مطالبه کند، کینه او را به دل می‌گیرند.

### پیام‌ها:

- ۱- خصلت‌های انسان، در برخورد با اوامر و نواهی الهی هویدا می‌شود.  
﴿ان یسئلکموها... تبخلوا﴾
- ۲- دل‌بستگی شدید به دنیا و بخل ورزیدن، مورد انتقاد و سرزنش است.  
﴿ان یسئلکموها... تبخلوا﴾
- ۳- خداوند انسان را به امور حرجی و مشقت آور فرمان نداده است. ﴿فیحفکم﴾  
(قوانین و فرمان‌های الهی متناسب با استعداد و توان ذاتی انسان‌هاست، ما نیز قوانین را آنگونه قرار ندهیم که مردم موضع خصمانه بگیرند.)
- ۴- صفا یا کینه دوستان، به هنگام سخاوت و بخل کشف می‌شود. ﴿یخرج أضغانکم﴾

﴿۳۸﴾ هَا أَنْتُمْ هَتُوْلَاءٍ تَدْعُوْنَ لِتُنْفِقُوْا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ فَمِنْكُمْ مَّنْ یَّبْخُلُ وَ  
مَنْ یَّبْخُلْ فَاِنَّمَّا یَبْخُلُ عَنِ نَفْسِهِ وَ اللّٰهُ الْعَنِیُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَ اِنْ  
تَتَوَلَّوْا یَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَیْرَكُمْ ثُمَّ لَا یَكُوْنُوْا اَمْثَالَكُمْ

آگاه باشید! این شمايید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید، پس بعضی از شما بخل می‌ورزند و هر کس بخل ورزد، فقط نسبت به خود بخل می‌ورزد و خداوند غنی و بی‌نیاز است و شمايید نیازمندان و اگر روی بگردانید، قومی غیر شما را جانشین شما می‌کند که آنان مثل شما (سست ایمان و بخیل) نباشند.

### نکته‌ها:

□ سؤال: در دو آیه قبل فرمود: ﴿لَا یَسْئَلُکُمْ اَمْوَالِکُمْ﴾ ما از اموال شما چیزی نمی‌خواهیم، در حالی که این آیه مردم را دعوت به انفاق کرده و از آنان چیزی می‌خواهد، این چند آیه را

چگونه در کنار هم جمع نماییم؟

پاسخ: مراد از ﴿لَا يَسْئَلُكُمْ أَمْوَالِكُمْ﴾ آن است که ما در قبال هدایت و ایمانتان چیزی از شما نمی‌خواهیم و یا برای خودمان نیازی به شما نداریم، ولی دعوت به انفاق در این آیه، برای ایجاد عدالت اجتماعی، وحدت، نوع‌دوستی، برطرف کردن کدورت‌ها، کینه‌ها و تبعیض‌هایی است که اگر برطرف نشود، تفاوت طبقاتی به صورت یک عقده و انفجار و انتقام در می‌آید و دعوت به انفاق برای حفظ نظام زندگی خود انسان‌ها است. لذا خداوند می‌فرماید: هر کس بخل ورزد، به ضرر خودش خواهد بود و خداوند از هر جهت غنی و بی‌نیاز است.

□ در تفاسیر می‌خوانیم که پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ کسی که پرسید: آن قوم دیگر که بخل نمی‌ورزند کیانند؟ حضرت دستی به شانه سلمان زدند و فرمودند: منظور، قوم سلمان (مردم ایران) است، سوگند به آن کس که جانم به دست اوست، اگر ایمان به ثریا بسته باشد، گروهی از فارسیان آن را به چنگ می‌آورند.<sup>(۱)</sup>

□ در شیوه تربیت باید مراحل طی شود:

الف) هشدار به مخاطب. ﴿ها اَنتُمْ﴾

ب) درخواست و دعوت. ﴿تَدْعُونَ...﴾

ج) توجیه و استدلال. ﴿مَنْ يَبْخُلْ فَآتَمَّا يَبْخُلْ عَن نَّفْسِهِ﴾

د) تکرار و قاطعیت. ﴿وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ﴾

ه) اتمام حجت و تهدید. ﴿وَ أَنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ...﴾

### پیام‌ها:

- ۱- در تبلیغ، گاهی باید مخاطب را برای شنیدن حساس کرد. ﴿ها اَنتُمْ...﴾
- ۲- تا می‌توانید با دست خود انفاق کنید که وارثان کاری نخواهند کرد. ﴿لَتَنْفَقُوا﴾
- ۳- آنچه مورد دعوت الهی است، کار خالصانه است. ﴿لَتَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾
- ۴- مردم را باید به انفاق و کمک به دیگران دعوت کرد، اما باید آزادشان گذاشت

۱. تفاسیر مجمع‌البیان، المیزان، نمونه، کبیرفخررازی، مراغی، روح المعانی و شبر.

- تا با فکر و انتخاب خود گامی بردارند. ﴿فمنکم من یبخل﴾
- ۵- کسی که بخل می‌ورزد، گمان می‌کند مردم را از مال خود محروم کرده، در حالی که خودش را از محبوبیت و عزّت و قرب الهی محروم کرده است. ﴿فإنما یبخل عن نفسه﴾
- ۶- بخل مربوط به روحیه افراد است و لازمه‌ی آن ثروتمند بودن نیست، چه بسیارند افرادی که سرمایه دارند و بخل ندارند. ﴿فمنکم من یبخل﴾
- ۷- دعوت به انفاق، نشانه‌ی نیاز خداوند نیست. ﴿والله الغنی﴾
- ۸- در تبلیغ، مخاطبین را مغرور نکنیم. ﴿تدعون لتنفقوا... أنستم الفقراء﴾ (در کنار دعوت به انفاق، بی‌نیازی خدا و فقر و نیازمندی انسان را یادآور می‌شود)
- ۹- در تبلیغ و دعوت، از تملّق مردم پرهیز شود و کرامت احکام الهی حفظ گردد. ﴿تدعون لتنفقوا... و ان تتولوا یتبدل﴾
- ۱۰- احکام خداوند تعطیل نمی‌شود، گرچه شما آن را انجام ندهید. ﴿ان تتولوا یتبدل قوماً غیرکم﴾
- ۱۱- همان گونه که تاریخ گذشته درس عبرت است، آینده‌نگری نیز می‌تواند سازنده باشد. ﴿یتبدل قوماً غیرکم﴾
- ۱۲- ترک انفاق به قدری خطر دارد که ممکن است خداوند ملّت یا رژیم را قلع و قمع کند. ﴿و ان تتولوا یتبدل...﴾
- ۱۳- برای تربیت و ترغیب، گاهی باید از اهرم تهدید استفاده کرد. ﴿و ان تتولوا یتبدل﴾
- ۱۴- زمین، هرگز از افراد صالح خالی نخواهد ماند. ﴿یتبدل قوماً غیرکم ثمّ لایکونوا امثالکم﴾ (سنّت الهی آن است که زمین خالی از حجّت نباشد.)
- ۱۵- آنچه برای خداوند مطرح است بندگان مطیع است، من و شما ندارد. ﴿قوماً غیرکم ثمّ لایکونوا امثالکم﴾ (دین الهی برای بقا و استمرار خود، وابسته به هیچ گروه و قوم خاصی نیست.) ﴿والحمد لله ربّ العالمین﴾